

نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۱۲)

ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی، عالم و ادیب
شیعه در قرن چهارم، و قرآن وقفی اش بر حرم رضوی در
سال ۴۰۲ هجری

۷۵-۱۰۵

چکیده: ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی از نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام، یکی از عالمان و ادیبان شیعه در نیشابور و نقیب شیعیان در طوس در قرن چهارم هجری بوده که با امیران و حاکمان سامانی نیز ارتباطی نزدیک داشته است. هرچند نام وی در هیچ یک از مصادر رسمی فقه، حدیث، کلام، تفسیر و رجال شیعه ذکر نشده، بسیاری از ادیبان و مورخان قرون چهارم و پنجم هجری چون ابومنصور ثعالبی، و ابونصر عتبی مکررا از او یاد کرده، و اقوال و ابیاتی را از او ذکر کرده اند که اغلب با تاریخ، ادبیات، فرهنگ و آداب ایرانیان در خراسان قرن چهارم پیوند دارد. مقاله حاضر ضمن بررسی منابع کهن و گردآوری اطلاعات پراکنده از زندگی و آثار ابوجعفر موسوی، به معرفی نسخه‌ای ۲۰ پاره از قرآن کریم می‌پردازد که وی آن را در سال ۴۰۲ هجری، بر حرم امام رضا علیه السلام وقف کرده است. این نسخه یکی از قدیم‌ترین قرآن‌های وقفی و تاریخ‌دار شیعیان به شمار می‌آید که به خط نسخ بسیار کهن، و همراه با انبوهی علائم و نشان‌های مذهب در خراسان کتابت شده است. رسم آن به شیوه قیاسی و مخالف با رسم عثمانی است، و قرائت آن در مجموع به قرائت ابوعمر و بصری و یعقوب خضرمی بسیار نزدیک است.

کلیدواژه‌ها: ابوجعفر محمد بن موسی موسوی؛ نقابت شیعیان در طوس در قرن چهارم؛ سادات موسوی؛ وقف قرآن بر حرم امام رضا علیه السلام؛ ابومنصور ثعالبی؛ خط نسخ کهن؛ قرائت سبعة؛ قرآن نویسی شیعیان؛ قرآن‌های دوره سامانی؛ کتابت قرآن در خراسان.

از رئیس محترم سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مدیر محترم اداره مخطوطات و تک تک همکاران این بخش کتابخانه که در مدت انجام این پژوهش با من همکاری کردند و تصاویر مورد نیاز را در اختیار قرار دادند صمیمانه سپاس می‌گزارم.

Codicology of the Qur'anic Manuscripts
(12): Abū Ja'far al-Mūsawī, A Shi'a Poet and
Scholar in the 4th/10th Century and his Qur'an
Dedicated to the Shrine of Imām al-Riḍā in
402/1012

Morteza Karimi-Nia

Abstract: Enjoying close ties with the Samanid viziers and rulers, Abū Ja'far Muḥammad b. Mūsā al-Mūsawī, a descendant of Imām Musā al-Kāzim, was a Shi'a scholar and poet in Nishapur and the *Naqīb* of the Shi'ites in Ṭūs in the 4th/10th century. Although his name was not mentioned in any of the official Shi'a sources including Qur'an commentaries, and books on jurisprudence, hadith, theology, and *rijāl*, many Sunni historians of the 4th/10th and 5th/11th centuries such as Abū Manṣūr al-Tha'ālibī, and Abū Naṣr al-'Utbī have repeatedly mentioned him, quoting his sayings and poems which are often associated with Iranian history, literature, culture and customs in Khorasan at his time. The present article, while examining old sources and gathering scattered information about the life and works of Abū Ja'far al-Mūsawī, introduces a 30-parts Qur'an, which was dedicated by him to the Shrine of Imām al-Riḍā (Mashhad) in 402/1012. This copy is considered to be one of the oldest dedicated and dated Qur'ans of the Shiites, which has been transcribed in an earliest type of *Naskh* script, along with a multitude of illuminations in Khorasan. The orthography (*rasm*) of the Qur'an is closer to the ordinary standard Arabic and far from the Uthmānic pattern, while its reading is very close to those of Abū 'Amr al-Baṣrī and Ya'qūb al-Ḥaḍramī in general.

Keywords: Abū Ja'far Muḥammad b. Mūsā al-Mūsawī; *Niqābat* of Shiites in Ṭūs in the 4th/10th century; Dedication of the Qur'ans to the Shrine of Imām al-Riḍā (Mashhad); Abū Manṣūr al-Tha'ālibī; Early *Naskh* script; Variant readings; Iranian Qur'an transcribing; Shiite transcribing; Qur'ans of the Samanid period; Early Qur'ans of Khorasan.

نسخ المصاحف القرآنية (١٢)
العالم والأديب الشيعي من القرن الرابع أبو جعفر محمد بن موسى
الموسوي وقرآنه الموقوف للحرم الرضوي في سنة ٤٠٢ الهجرية
مرتضى كريمي نيا

الخلاصة: كان أبو جعفر محمد بن موسى الموسوي أحد أحفاد الإمام موسى الكاظم عليه السلام واحداً من علماء الشيعة وأديبهم في نيسابور، وكان نقيباً للشيعة في طوس في القرن الرابع الهجري، وكانت له علاقات وثيقة مع أمراء السامانيين وحكامهم. ورغم عدم ورود اسمه في أي من مصادر الشيعة الرسمية في علوم الفقه والحديث والكلام والتفسير والرجال، إلا أن الكثير من الأدباء ومؤرخي القرنين الرابع والخامس الهجريين كابن منصور الثعالبي وإبي نصر الغنبي ذكروه مرات عديدة ونقلوا عنه أقوالاً وأبياتاً تحورت غالبيتها حول تاريخ وآداب وثقافة وأخلاق الإيرانيين في خراسان القرن الرابع.

والمقالة الحالية ضمن بحثها في المصادر القديمة وجمع المعلومات المتناثرة عن حياة وأثار أبو جعفر الموسوي، تقدم تعريفاً لنسخة من ثلاثين جزءاً من أجزاء القرآن الكريم كان قد أوقفها هذا العالم لمقر الإمام الرضا عليه السلام سنة ٤٠٢ هجرية.

وهذه النسخة هي واحدة من أقدم نسخ المصاحف القرآنية الموقوفة من قبل الشيعة والموقوفة وقفتها بالتاريخ، وهي مكتوبة في خراسان بخط النسخ القديم جداً المقترن بعدد هائل من العلام والرموز المذهبية. أما رسم القرآن فيه فهو على الأسلوب القياسي الذي يختلف عن الأسلوب العثماني. أما قراءته فهي على الغالب قريبة جداً من قراءة أبي عمرو البصري ويعقوب الحضرمي.

المفردات الأساسية: أبو جعفر محمد بن موسى الموسوي، نقابة الشيعة في طوس في القرن الرابع، السادات الموسوية، وقف القرآن على حرم الإمام الرضا عليه السلام، أبو منصور الثعالبي، خط النسخ القديم، القراءات السبعة، كتابة القرآن لدى الشيعة، مصاحف العهد الساماني، كتابة القرآن في خراسان.

مقدمه

در شوال سال ۴۰۲ هجری، قرآنی ۳۰ پاره بر حرم امام رضا علیه السلام وقف شده است. بررسی این قرآن که اکنون تنها پنج پاره در کتابخانه آستان قدس رضوی باقی مانده است، ما را با یکی از عالمان، ادیبان، و سادات شیعه به نام ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی، در قرن چهارم هجری پیوند می‌زند که نام وی اکنون در مصادر شیعی کمتر ذکر می‌شود و اطلاعات زیادی از زندگی و آثار وی باقی نمانده است. یکی از ویژگی‌های مهم این قرآن، مورخ بودن وقف نامه آن در آغاز قرن پنجم هجری است، گویانکه خود قرآن احتمالاً در اواخر سده چهارم کتابت شده است. متن وقف نامه ابوجعفر موسوی که در آغاز تمام اجزای سی گانه کتابت شده، چنین است:

وقفه وسبله السید ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی تقبل الله منه علی مسجد مشهد
الإمام أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام لا يباع ولا يوهب ولا يخرج من سور
المشهد وذلك في شوال سنة اثنتين وأربع مائة. (تصویر ۱ و ۲)

این یکی از کهن‌ترین وقف نامه‌های قرآنی در کتابخانه آستان قدس رضوی است که واقف آن به وضوح شیعه است. بررسی جوانب مختلف این قرآن می‌تواند جوانب تازه‌ای از تاریخ کتابت و وقف قرآن به دست کاتبان و واقفان شیعه و سنی در قرن چهارم هجری در خراسان بزرگ را بر ما آشکارتر سازد. اما پیش از معرفی تفصیلی بخش‌های باقی مانده از قرآن ابوجعفر موسوی در کتابخانه آستان قدس رضوی، لازم است نخست زندگی و احوال و آثار این دانشمند و ادیب شیعه در قرن چهارم و آغاز قرن پنجم هجری را مرور کنیم، به ویژه آنکه تاکنون اطلاعات پراکنده از حیات وی در متون کهن، در جایی گردآوری نشده است. بنابراین در پاره نخست مقاله، به شرح احوال و آثار ابوجعفر موسوی، و در پاره دوم، به معرفی و بررسی قرآن وقف شده از سوی وی بر حرم امام رضا علیه السلام می‌پردازیم.

پاره نخست مقاله

ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی: نواده امام کاظم یا امام جواد علیهما السلام؟

نام «ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی» در منابع کهن تراجم و تاریخ و ادب، بر دو تن از عالمان و

۱. بر اساس پژوهش‌هایی که تاکنون در وقف نامه‌های قرآنی کتابخانه آستان قدس رضوی انجام داده‌ام، تعبیر «مسجد مشهد الامام» در هیچ وقف نامه دیگری به کار نرفته است. این تعبیر نشان می‌دهد که در قرن چهارم هجری، مدفن و مشهد امام علیه السلام دارای مسجدی نیز بوده است. گفتنی است در برخی وقف نامه‌های دیگر قرآنی، عباراتی مشابه آمده است که مؤید همین نکته است. مثلاً در وقف نامه ابوالحسن علی بن عبدالرحمن التاجر، به تاریخ ۴۱۲ هجری (در جزوه قرآنی ۳۳۱۶)، عبارت «و حرام علی من یرخر ذلك من مشهده وهو القبة التي فيه تربته وعن المسجد التي تشرع بابه اليه» آمده؛ در وقف نامه ابوالبرکات علی بن الحسین الحسینی، مورخ ۴۲۱ هجری (در جزوه قرآنی ۶)، عبارت «ولا یرخر من القبة والمسجد» آمده؛ در وقف نامه حسین بن علی بن حسین بقالان، مورخ ۵۱۴ هجری (در جزوه قرآنی ۴۳۵۳)، عبارت «في المسجد المبنی في هذا المشهد» آمده؛ در وقف نامه ابوالمجد سعید بن محمد بن موسی البراوستانی، مورخ ۵۱۵ هجری (در جزوه قرآنی ۵۲)، عبارت «یقرأ فی الروضة الرضویة والمسجد المتصل بالقبة» آمده؛ و در وقف نامه محمد بن علی بن محمد المعروف بالسکرینی الرازی، مورخ ۵۴۰ هجری (در جزوه قرآنی ۳۵۴۹)، عبارت «وقف علی المسجد المقدسة الرضویة النبویة الإمامیة الطاهریة علی بن موسی الرضا علیهما السلام والصلوة المعروف بمشهد الطوس» آمده است.

سادات شیعه در قرن چهارم هجری اطلاق شده است: یکی در قم و دیگری در خراسان. فرد نخست، از اعیان امام جواد علیه السلام، و دومی از نسل امام موسی کاظم علیه السلام است. نخست: ابوجعفر محمد بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی بن الامام محمد التقی علیه السلام، نقیب سادات در قم بوده،^۲ و دوم: ابوجعفر محمد بن موسی بن احمد بن القاسم بن حمزة بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی بن ابی طالب، ادیب و عالم شیعی ساکن طوس و نیشابور، و نقیب سادات در طوس بوده است.

با چند قرینه، می توان نتیجه گرفت که واقف مورد نظر ما در قرآن آستان قدس رضوی، به احتمال قوی، فرد دوم، و از نسل امام موسی کاظم علیه السلام است. نخست آنکه بر اساس وقف نامه های موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی، وی خود را «ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی» خوانده است. چنانکه در ادامه خواهیم دید، بسیاری از معاصران وی نیز، از او با عنوان ابوجعفر موسوی یاد کرده اند. روشن است که لقب الموسوی غالباً بر سادات از نسل امام هفتم اطلاق می شده است. دوم آنکه - چنانکه خواهیم دید - وی و برخی از اجداد و نوادگانش غالباً در خراسان، و ساکن شهرهایی چون بخارا، طوس و نیشابور بوده اند، و این امر بر عمل واقف این جزوات قرآنی بیشتر تطبیق می کند. گفتنی است ابومنصور ثعالبی در برخی آثار خود، وی را موسوی طوسی خوانده و از او اقوالی در مدح خاک طوس نقل کرده است.^۳

بررسی منابع و مصادر ادبی و تاریخی نشان می دهد، ابوجعفر موسوی ادیب، شاعر، و دانشمندی بوده که در عهد سامانیان در شهرهای مختلف خراسان سکونت داشته، یا در مسافرت بوده، با امیران و وزیران سامانی، از جمله ابوالحسن نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی^۴ و ابومنصور

۲. ابن فندق (در لباب الأئساب، ۵۸۶/۲) نسب وی را چنین ذکر می کند: «ابوجعفر بقم وهو محمد بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی بن محمد التقی بن علی بن موسی الرضا رضی الله عنهم. « تیمی بکری، نویسنده الشجرة المباركة في أئساب الطالبيّة (ص ۹۵)، نیز نسب وی را تا امام جواد علیه السلام چنین برمی شمارد: «موسی بن محمد التقی. له ابن واحد معقب اسمه احمد ابوعلی بقم؛ و لاحمد ابن واحد اسمه محمد ابوعلی الأعرج بقم؛ ولمحمد الأعرج ابن واحد اسمه احمد ابو عبدالله النقیب الرئیس بقم؛ و لاحمد هذا ابنان معقبان: موسی ابوالحسن الرئیس بقم ثم انتقل الى طوس و علی؛ اما موسی بن احمد النقیب، فله من الابناء المعقبین ثلاثة: محمد ابوجعفر نقیب بقم بعد ابيه، و عبدالله ابوالفتح ذوالمنقب سید الاشراف بقم و احمد ابو عبدالله بخراسان لامهات شتی. « براین اساس، نسب سید ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی (از نوادگان امام جواد علیه السلام) چنین می شود: محمد بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی بن الامام محمد التقی علیه السلام. جدّ وی، ابو عبدالله احمد بن محمد الأعرج نقیب سادات در قم بوده، و جدّ جدّ وی، حضرت موسی بن محمد التقی علیه السلام معروف به موسی المبرقع (وفات ۲۹۶ ق) در کاشان و قم ساکن بوده است. پدرش ابوالحسن موسی بن احمد، نقیب سادات در قم بوده و سپس به طوس نقل مکان کرده است و ابوجعفر موسوی - فرزند ارشد او - نیز پس از وفات پدر نقابت سادات در قم را بر عهده داشته است.

۳. ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی، ثمار القلوب للمضاف والمنسوب، ص ۴۳۵؛ همو، لطائف المعارف، ص ۱۱۸.

۴. امیر سامانی که در سالگی در سال ۳۰۱ به حکومت رسید و ۳۱ سال فرمانروایی کرد. رودکی شعر معروف «بوی جوی مولیان آید همی» را برای وی سروده است. ابوجعفر موسوی ماجرابی را در خصوص علت مرگ وی روایت کرده که ثعالبی (ثمار القلوب، ص ۱۸۸) آن را از قول وی نقل کرده است. نک.: ادامه همین مقاله.

محمد بن عبدالرزاق طوسی^۵ رفت و آمد کرده، فردی ثروتمند، بخشنده و آشنا با امور دیوانی، کتابت، و نیز نقیب سادات خراسان در طوس بوده است. اجداد او پیشتر در دامغان و هرات بُست سکنا گزیده بوده‌اند،^۶ و او خود بیشتر در نیشابور و طوس زندگی کرده است. در میان مردم بسیار محترم شمرده می‌شده است، و شاعران برجستهٔ زمانش چون ابوالفتح بُستی (۴۰۰-۳۳۵ ق) و بدیع الزمان همدانی (۳۹۸-۳۵۸ ق) در مدح او ابیاتی سروده‌اند.^۷ محمد بن عبدالجبار عُتبی (م ۴۲۷ ق)، از معاصران وی ضمن اشاره به جزئیاتی از نسب و احوال او، در کتاب الیمینی چنین می‌نویسد:

ومن أعيان رعایا السُّلطان بناحية طوس، وإن كانت نيسابور دار قراره، ومعتقد ضياعه
 وعقاره، السيد أبو جعفر محمد بن موسى بن أحمد بن أبي القاسم^۸ بن حمزة بن موسى
 بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب رضوان الله تعالى عليهم
 أجمعين

نسبٌ كأنَّ عليه من شمسِ الضُّحى نوراً ومن فلقِ الصُّباح عموداً

وقد خدم ملوك آل سامان وعاشرو وزراء هم وكتابههم والتقط محاسنهم وآدابهم؛ فألفاظه ينابيع

۵. حاکم طوس و سیبسالار خراسان در عهد سامانی (کشته شده در ۳۵۰ هجری)، که وزیر وی، ابو منصور معمری، به دستور او، شاهنامهٔ ابومنصوری را در فاصلهٔ سال‌های ۳۳۹ تا ۳۴۵ هجری قمری فراهم آورد، و همین اثر مبنای کار دقیقی طوسی و سپس فردوسی در سرایش شاهنامه گردید.

۶. علوی عمری، المجدی فی انساب الطالبین، ص ۳۱۱.

۷. محمد بن عبدالجبار عُتبی، الیمینی، ص ۴۴۲-۴۴۳. ابیات ابوالفتح بستی دربارهٔ وی چنین است:

أنا للسيد الشريف غلامٌ
 وإذا كنتُ للشريف غلاماً
 حيثما كان فليبغ سلامي
 فأننا الحرُّ والزمان غلامي

و ابیات بدیع الزمان همدانی دربارهٔ وی چنین است:

أنا في اعتقادي للسنن
 وإن اشتغلت بهؤلاء
 يا عقده منتظم النبوة
 يا ابن الفواطم والعواتك
 أنا حائك إن لم أكن
 ن رافضي في ولائك
 ء فلست أغفل عن أولئك
 بيت مختلف الملائك
 والثرائك والأرائك
 عبداً لعبدك وابن حائك

ابوالمؤید الموفق بن احمد بن محمد المکی، خطیب خوارزم، در کتاب المناقب (ص ۷۹)، و عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب نقض (ص ۲۱۸) اظهار می‌دارند که بدیع الزمان همدانی این قطعه را بر سر تربت امام رضا علیه السلام سروده است. در شرح این ابیات، پیوند آن با مدح ابو جعفر موسوی، و علت سرودن آن، نک: محدث ارموی، مقدمهٔ نقض و تعلیقات آن، ص ۱۳۱-۱۳۲. محدث ارموی، تعلیقات نقض، ۲/ ۷۰۷، ۷۰۰ و ۲/ ۷۶۶، ۷۶۵. شادروان محدث ارموی نشان می‌دهد که مخاطب تعبیری چون «یا ابن الفواطم والعواتک والثرائک والأرائک» باید ابو جعفر موسوی باشد.

۸. صحیح آن القاسم است. نک: ابن عنبه، عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب، ۱/ ۲۲۸. «و اما القاسم بن حمزة بن الکاظم علیه السلام و فيه البقية ويعرف بالاعرابي وأمه أم ولد فأعقب من محمد، وعلي، وأحمد، فمن بني محمد بن القاسم بن حمزة، قبل وهو الاعرابي، أبو جعفر محمد بن موسى بن محمد بن القاسم بن حمزة بن الکاظم علیه السلام خدم ملوك آل ساسان [کذا]، والصحيح: سامان] وعاشر كتابهم ووزراء هم وله شعر منه قوله:

فديت غزالي وهو ملكي حقيقة
 جميل محياه وكالدعص ردفه
 بلدٌ به عيشي إذا نابني هم
 لطيف سجاياه وليس له خصم

العلوم وأقواله مرابيع العقول ومجالسه حدائق الجد والهزل، وجوامع القول الفصل؛ فلم يتبق بيتمة خطاب ولا كريمة صواب ولا غزوة حكمة ولا ذرة نكتة ولا طرفة حكاية ولا فقرة رواية إلا وهي غرضة خاطرة ونهضة هاجسة ونصب تذكرة ومثال تدبيره وتصوره؛ لا تصدأ صفيحة فكره ولا تدرس صحيفة ذكره ولا يخسف بذر معارفه ولا يئزف بحر لطائفه؛ ثم هو واحد خراسان من بين الأشرف العلوية، في قوة الحال وسعة المجال واتساع رقعة الصياع وارتفاع قدر الارتفاع واشتداد باع العز وامتداد شعاع الجاه والقدر. وقد كتبت عنه من نوادر الأخبار والأشعار ما حكيت بعضه في كتابي الموسوم بلطائف الآداب...^۹

نام ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی در مهم ترین مصادر هم روزگار با وی، و نیز در اغلب کتب تراجم و انساب پس از وی، از جمله در آثار حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق)، ابونصر عتبی (م ۴۲۷ ق)، ابومنصور ثعالبی (م ۴۲۹ ق)، شیخ الشرف عبیدلی (م ۴۳۶ ق)، علوی عمری (م ۴۷۰ ق)، ابن فندق بیهقی (متوفای قرن ششم)، ابن عنبة (م ۸۲۷ ق) و دیگران آمده است.^{۱۰} ثعالبی از او با عنوان السید الشریف ابوجعفر الموسوی، و گاه با عنوان الموسوی الطوسی یاد می کند، و مکرراً از وی، نکات ادبی، نقل های تاریخی، و گاه نکات تفسیری را ذکر می کند که در ادامه این نوشتار، آنها را خواهیم آورد. حاکم نیشابوری (۴۰۵-۳۲۹ ق) نیز وی را از اشراف زمان خویش می خواند؛ حاکم به احتمال زیاد خود، ابوجعفر الموسوی را در نیشابور ملاقات کرده است. اگرچه اصل کتاب حاکم را اکنون در اختیار نداریم، نام ابوجعفر موسوی در ترجمه فارسی بازمانده از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری (اثر محمد بن حسین خلیفه نیشابوری) چنین آمده است: «محمد بن جعفر بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنهم، السید ابوجعفر الموسوی و كان اوحد الاشراف فی عصره.»^{۱۱} شیخ

۹. محمد بن عبد الجبار عتبی، الیمینی، ص ۴۴۱-۴۴۰. دو قرن پس از این، ابوالشرف ناصح بن ظفر جرباذقانی / جرفاذقانی، عالم اهل سنت، و از دبیران بنام دوران سلجوقی در ترجمه خود از کتاب یمینی (تألیف محمد بن عبد الجبار العتبی)، وی را به فارسی چنین معرفی می کند: «ذکر ابوجعفر محمد بن موسی بن احمد بن ابوالقاسم بن حمزة بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب.» این سید اگرچه مسکن در نیشابور داشت و ضیاع و عقار وی در آنجا بود، لیکن بطوس متوطن بود و در عهد ملوک سامان در عداد خواص حضرت، و زمره اعیان دولت معدود، و با وزراء و کُتاب ایشان مجالس و معائیش، و بمفاخر و معانی ایشان متعلی شده، و از حدائق جد و هزل، و حقایق فضایل و فضل زبان گشته، و از نخب ادب و عُز دُر، و لطایف نُکت و بذله های مُستحسن و حکمت های مُستبدع هر یکی حظی وافق و نصیبی وافر حاصل کرده و آنرا بر طرف لسان و نصب عین داشته و در محاضرات در محاورت بر خذافت سخن ایراد کرده و در جملگی دیار خراسان از اشراف سادات بمُکنت و یَسار و کثرت عقار، و قوت حال و سعت مجال و وفور ضیاع و بسطت باع و استیعاب اسباب ارتفاع درگذشته، و در کتاب لطایف الآداب از مصنفات عتبی، نوادر اخبار و بدایع خطب و اشعار او بعضی مسطور است... (ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفاذقانی، ترجمه تاریخ یمینی، ص ۲۶۲-۲۶۴).

۱۰. برای برخی آثار تراجمی معاصر در قرن اخیر، نک: محمد تقی سپهر کاشانی، ناسخ التواریخ، ۷/ ۳۰۵-۳۰۶؛ محسن الامین، اعیان الشیعة، ۱۰/ ۷۸.۷۷؛ محدث ارموی، تعلیقات نقض، ۲/ ۷۰۷.۷۰۰ و ۷۶۶.۷۶۵.

۱۱. حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، ص ۱۸۰، ش ۲۳۱۶. چنین می نماید که در ذکر نام وی سهوی رخ داده است، با این حال، عنوان «ابوجعفر الموسوی» در این زمان در نیشابور تنها بر شخصیت مورد نظر ما تطبیق دارد.

الشرف عبیدلی (م ۴۳۶ ق) به صراحت او را نقیب طوس می خواند،^{۱۲} و نجم الدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم علوی عمری (معروف به ابن الصوفی) در معرفی او می نویسد: «ووقع من بنی حمزة بن موسی کاظم علیه السلام قوم الی دامغان و بست و هراة و كان منهم بطوس نقیب و جیه یکتی ابا جعفر محمد بن موسی بن أحمد بن محمد بن القاسم بن حمزة بن موسی کاظم علیه السلام.»^{۱۳} و سرانجام محمد بن عبدالجبار العتبی (م ۴۲۷ ق) در کتاب الیمینی یا تاریخ العتبی، شرحی بلند از شرف نسب، و ذوق ادب، و علم و فضل و کرم و جود و سخای وی را برمی شمارد. وی همچنین در بیان احوال ناصرالدین ابومنصور سبکتگین، فرمانروای غزنوی (حک: ۳۸۷.۳۶۶ ق) می گوید که ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی دو بیت برایم انشاد کرد و گفت که آنها را برسر در خانه سبکتگین در سجستان نوشته اند:

وأنشدني السيد أبوجعفر محمد بن موسی الموسوي بيتين ذكرأتهما مكتوبان علی باب داره
بسجستان، وهما:

من سَرَّه أن یرى الفردوسَ عالیةً فلینظرنَّ إلی ایوان کَیوان
أو سَرَّه أن یرى الرضوانَ عن کَثبٍ بماءٍ عَینیه فلینظر إلی البانی^{۱۴}

تولد و وفات

هیچ یک از مصادر کهن تاریخ دقیقی از زمان تولد و وفات ابوجعفر موسوی به دست نداده اند. اما به احتمال قوی، وی را باید از معتمَرین دانست. در یکی از نقل های ثعالبی از ابوجعفر موسوی، وی اظهار می دارد که در ایام حکومت نصر بن احمد سامانی (حک: ۳۳۱.۳۰۱)، پدرش او را به مجلس امیر نصر بن احمد در بخارا برده است که در آن مجلس باشکوه شمار زیادی از عالمان و شاعران جمع بوده اند.^{۱۵} اگر بپذیریم که وی در این زمان حدوداً ۲۰ ساله، و چنین فرض کنیم که این حادثه در اواخر حکومت نصر بن احمد سامانی رخ داده، در این صورت باید وی را متولد سال های ۳۰۰ تا ۳۱۰ هجری بدانیم. وقف قرآن از سوی ابوجعفر موسوی بر آستان امام رضا علیه السلام، در تاریخ شوال ۴۰۲ هجری نشان می دهد که او همچنان در سن ۹۰ یا ۱۰۰ سالگی در قید حیات بوده است.

اجداد و اعقاب ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی

از منابع انساب و تراجم کهن، اطلاعات چندی در این باب به دست می آید. ابوجعفر موسوی خود از سادات نسل امام موسی کاظم علیه السلام است که نسبش با پنج واسطه به امام علیه السلام می رسد.

۱۲. «ومنهم نقیب طوس أبوجعفر محمد بن موسی بن أحمد بن محمد الأعرابي بن القاسم بن حمزة بن موسی کاظم.» شیخ الشرف عبیدلی، تهذیب الأنساب ونهاية الأعقاب، ص ۱۶۹.

۱۳. علوی عمری، المجدی فی أنساب الطالبین، ص ۳۱۱.

۱۴. عتبی، الیمینی، ص ۳۹۹.

۱۵. ثعالبی، یتیمه الدهر، ۴/ ۱۱۵.

معروف ترین ایشان، حمزه فرزند بلافضل امام کاظم علیه السلام است. گزارش ابوالحسن علوی عمری در المجدی فی أنساب الطالبین حاکی است که اجداد ابوجعفر موسوی، یعنی نوادگان امام کاظم علیه السلام از نسل حمزه بن موسی به دامغان و بُست و هرات در خراسان کوچیده اند، و ابوجعفر موسوی در زمان خود از نقیبان طوس به شمار می آمده است.^{۱۶} همچنین براساس گزارش ابن فندق، قبر موسی بن احمد (پدر ابوجعفر الموسوی) در مشهد رضوی واقع است و نُقبای طوس و مشهد الرضا در زمان وی (در میانه قرن ششم هجری) از نوادگان اویند.^{۱۷} از سخنان ابن فندق بیهقی چنین نیز برمی آید که ابوجعفر موسوی فرزندی به نام حمزه، و نواده ای به نام زید داشته که آنان نیز نقابت سادات در طوس و مشهد را برعهده داشته اند. این سخنی است که شیخ الشرف عبیدلی (م ۴۳۶ ق) به صراحت چنین بیان کرده است: «وابنه ابوالقاسم حمزه بن ابي جعفر نقیب طوس أيضاً».^{۱۸} ابن عساکر (م ۵۷۱ ق) نیز از یکی از نوادگان دیگر ابوجعفر طوسی، به نام الشریف ابوالحسن زید بن الحسن بن زید بن حمزه بن محمد بن موسی روایاتی را نقل می کند که در طابران طوس، از وی سماع کرده است.^{۱۹}

آثار ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی

ابوجعفر موسوی را در درجه نخست باید ادیب و شاعر بدانیم. پاره هایی از شعرو نثروی در کتاب های ادبی و تاریخی قدیم برجای مانده است. به جزاین، آقا بزرگ طهرانی در الذریعة، از نسخه ای از «مسئله فی معنی من كنت مولاه للأدیب ابي جعفر محمد بن موسی» یاد می کند که در نزد مرحوم آیه الله مرعشی نجفی یافته است.^{۲۰} شادروان سید عبدالعزیز طباطبائی - که متن این رساله را براساس دو نسخه در کتابخانه آیه الله مرعشی (مجموعه ش ۲۵۵/۸، مورخ ۱۰۵۶) و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجموعه امام جمعه خوئی، نسخه شماره ۸، رساله پنجم، برگ ۱۴ تا ۱۵) تصحیح و منتشر ساخته - بر این رأی است که مراد از «الأدیب السعید ابوجعفر محمد بن موسی» در آغاز این

۱۶. «ووقع من بنی حمزة بن موسی الكاظم علیه السلام قوم الی دامغان وبست وهراة وكان منهم بطوس نقیب وجیه یکتی ابا جعفر محمد بن موسی بن أحمد بن محمد ابن القاسم بن حمزة بن موسی الكاظم علیه السلام». علوی عمری، المجدی فی أنساب الطالبین، ص ۳۱۱.

۱۷. «أما نقباء طوس ومشهد الرضا رضي الله عنه، فهم أولاد ابي الحسين زید بن حمزة بن محمد بن موسی بن أحمد بن محمد بن القاسم بن حمزة بن موسی الكاظم رضي الله عنه. قبر موسی بن أحمد بمشهد. أما حمزة بن موسی فأمه أم ولد، وهو مدفون بالسیرجان من کرمان». ابن فندق، لباب الانساب، ۲/ ۵۹۴.

۱۸. شیخ الشرف عبیدلی، تهذیب الأنساب ونهاية الأعقاب، ص ۱۶۹.

۱۹. «أخبرني الشریف أبو الحسن زید بن الحسن بن زید بن حمزة بن مُحَمَّد بن مُوسَى بنُ أَحْمَد بنِ مُحَمَّد بنِ الْقَاسِم بنِ حَمَزَةَ ابنِ مُوسَى بنِ جَعْفَرِ الموسوی الطوسی بطابران قال: أنا أبو الخیر عبد الله بن مَرْزُوق الهروی، أنا أبو الفضل الطیبسی قال: أنا مُحَمَّد بن الْقَاسِمِ الفِرسِی، ثَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بنُ مُحَمَّدِ الْحَافِظِ قال: ثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْمُخَضَّبِ قال: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بنِ إِبْرَاهِيمِ الْحَافِظِ يَقُولُ یحیی ابن معین يَقُولُ: الْإِسْنَادُ النَّازِلُ تَرَحُّةً فِي الْوُجْهِ، وَالْإِسْنَادُ الْعَالِی قَرَبَ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَوْلُ مَا أَبْدَأُ بِهِ "ذَكَرَ أَحَادِيثَ فِي الْحَثِّ عَلَى حِفْظِ أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنَ السَّنَةِ" وَأَنَّ مِنْ حِفْظِهَا یكون فقیها مستوجبا للشفاعة وَدُخُولِ الْجَنَّةِ». ابن عساکر، الأربعین البلدانیة، ص ۲۰۱۹. در نقل روایتی دیگر، ابن عساکر تصریح می کند: «بقرائتی علیه بطابران». نک. ابن عساکر، معجم الشیوخ، ص ۳۵۹.

۲۰. آقا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ۲۰/ ۳۹۴.

رساله، ابوجعفر محمد بن موسی بن عمران الزامی النیسابوری است^{۲۱} که ثعالبی در یتیمه الدهر، او در شمار فضلالی بخارا نام برده، و افزوده است که وی از ادیبان و شاعران خراسان و به طور خاص، در نیشابور بوده است.^{۲۲} با این حال، مروری بر متن این رساله کوتاه ما را به این نتیجه می‌رساند که این اثر باید نوشته یکی از ادیبان شیعی راست کیش و معتقد بوده باشد که در عین اعتقاد تام به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مایل نبوده است رأی خود در این باره را با مقامات و امیران سُنی خراسان به صراحت در میان بگذارد. از این رو، من بر این باورم که این رساله از نگاشته‌های ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی، دانشمند و ادیب شیعی در قرن چهارم در طوس و نیشابور است، نه از خامه ابوجعفر محمد بن موسی بن عمران الرامی / الزامی، ملقب به ابوجعفر البنانی که هیچ‌یک از تراجم نویسان قدیم و جدید او را دارای گرایش‌های شیعی ندانسته‌اند. به جهت اهمیت این رساله در بازنمایی دیدگاه‌های مذهبی ابوجعفر موسوی، متن کوتاه آن را بر اساس تصحیح استاد فقیه، محقق طباطبائی در اینجا ذکر می‌کنم.^{۲۳}

في معنى مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٍّ مَوْلَاً لِلْأَدِيبِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى

قال الأديب السعيد أبو جعفر محمد بن موسى نور الله مصرعه: سألتني السيد الرئيس أبو إبراهيم - أدام الله رفعة - في داره المعمورة ببقائه، عن معنى قول الرسول صَلَّى اللهُ عليه وآله: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٍّ مَوْلَاً. فلم أجد محيصاً عن إيراد ما هو مذهبي فيه، فذكرت له ما سمعه من في لما سمعته من فيه، ثم خيل إلي أنه ما أوردته لا يجديه نفعاً مهماً لم يكن مكتوباً يعيد فيه نظره ويبيديه، فأملت ثانياً ما سمعه مني بادياً ليتأمله تأملاً شافياً.

وبعد، فإنني وإن لم أكن إماماً في الأدب وعلامة في معرفة كلام العرب، فقد تشبثت منه بسبب وأويت منه إلى مذهب لا مذهب ومن كان مثلي ممن يعلم بعض العربية فلا بد من أن يكون له في مثل ذلك على شيء اعتماد، وعلى رأي سكون وإخلاق. والمولى - على ما يضمرة فؤادي وعليه اعتقادي - في هذا الخبر بمعنى الأولى، ولا يجوز غيره بدليلين مقنعين، عند من أنصف لا من اعتسف. وذلك أن الأسماء على ضربين: مخصوصة ومشتركة، فالمخصوص منها لا يمكن أن يعدى به عن خصوصيته، اصطلاحاً كان أم توقيفاً على ما هو مسطور في الدفاتر ومبين للأصاغر من الأدباء والأكابر. والمشتركة يحمله كل ذي علم على ما يدل عليه علمه ويهديه إليه فهمه، {كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ}.

وهذا الاسم من المشترك عندي، ولا يسوغ حمله على المناسبة والمعاقبة، لكون ذلك

۲۱. سيد عبدالعزیز الطباطبائی، الغدير فی التراث الاسلامی، ص ۹۴. آیت الله جعفر سبحانی نیز بر همین اساس، در معجم التراث الکلامی (۲/ ۱۰۵)، آن را به ابوجعفر محمد بن موسی الرامی الأديب نسبت داده‌اند.

۲۲. ثعالبی، یتیمه الدهر، ۱۷۱/۴.

۲۳. سيد عبدالعزیز الطباطبائی، الغدير فی التراث الاسلامی، ص ۹۷.۹۵.

معرفاً معلوماً، وأهل النحويقولون: الأخبار بما يعرف لا يفيد، وأنا وإن لم أكن نحوياً فقد شملت رايحه وأنت لا تحته، والنبی صلی الله علیه وآله أجل وأعظم من أن يخبر بشيء لا يفيد. والمولى بمعنى الأولى أولى لقوله تعالى: {النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ}، ليكون الخبر بهذا التأويل موازياً للوحي والتنزيل، فكأنه قال عليه السلام: كل مؤمن أنا أولى به من نفسه فعلي كذلك، لأن علياً عليه السلام نفس النبي صلی الله علیه وآله بدلالة قوله تعالى: {فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَأَبْنَاكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ} ومعلوم أن الإنسان لا يدعو نفسه، فثبت أن المراد بأنفسنا علي عليه السلام.

وإذا كان كذلك فقول الله تعالى: {النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ} كان أمير المؤمنين كذلك. وقول النبي صلی الله علیه وآله: من كنت مولاه فعلي مولاه، وارد عنه على ذلك المدرج والمنهج، فالعدول عن ذلك عندي لا يسوغ. فهذا أدام الله رفعة السيد. ما اعتقده فيه، فان كنت مصيباً كان إلي وإن كان مخطئاً كان علي. على أنني أتتقن أن ذلك حق غير باطل وحال غير عاطل. وما توفيقي إلا بالله العلي العظيم. والحمد لله رب العالمين وصلّى الله على محمد وآله الطاهرين.

منقولات ثعالبي از ابوجعفر محمد بن موسى الموسوي

گذشته از جزییات نسبی، بیشترین اطلاع ما از احوال و روحیات ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی، برآمده از مطالبی ادبی و تاریخی و تفسیری است که هم عصر او، ابومنصور ثعالبی (۴۲۹۳۵۰ ق) در کتب مختلفش از او نقل می‌کند. به جهت اهمیت این منقولات، مجموعه‌ای از مهم‌ترین آنها را به اختصار در این نوشتار ذکر می‌کنم. تقریباً اغلب این نکته‌ها پیوندی با فرهنگ، ادب و تاریخ ایرانیان در خراسان سده‌های سوم و چهارم هجری دارند.

۱) ثعالبی در الاقتباس من القرآن الکریم، مطلبی تفسیری قرآنی از ابوجعفر موسوی نقل می‌کند. این عبارت در باب آیه دوازدهم سوره مجادله است: «سمعت أبا جعفر محمد بن موسی الموسوي يقول: إن رسم النشرات للملوك وغيرهم من الكبراء والرؤساء مأخوذ من أدب الله تعالى في شأن رسوله عليه السلام حيث قال: يا أيها الذين آمنوا إذا ناجيتم الرسول فقدموا بين يدي نجاؤكم صدقة. فكان اليوم من يبتغي إلى الملك والرئيس مسألة فيقدم عليه، ويقدم نثارا بين يديه، إنما يتصدق بذلك عنه، شكرا لله على ما يسر من لقائه سالما في نفسه وماله، ويسأله أن يرى فيه برأيه من التصديق، أو غير ذلك، فلو تولى إعطائه الفقراء لكان الشك قد نفع في ذلك (الذي) يترجح بين التصديق والتكذيب.»^{۲۴} بخش آغازین همین سخن ابوجعفر موسوی را بعدها میبیدی، در هنگام بازنگاری خود از تفسیر خواجه عبدالله انصاری، در تفسیر کشف الاسرار (ذیل نوبت دوم در تفسیر آیه مجادله، ۱۲)

چنین نقل کرده است: «وقال بعضهم: إنَّ رسم النثرات للملوك وغيرهم من الكبراء والرؤساء مأخوذ من آداب الله تعالى في شأن رسوله حيث قال: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجِئْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ.»^{۲۵}

۲) وَقَدْ حَدَّثَنِي السَّيِّدُ أَبُو جَعْفَرٍ الْمَوْسَوِيُّ قَالَ أَنْشَدَ الْعَبَّاسُ الْأَرْخَسِيُّ الْأَمِيرَ نَصْرَبْنَ أَحْمَدَ لَيْلَةَ السَّدَقِ الْحَادِي وَالْثَّلَاثِينَ مِنَ الْأَسْدَاقِ الَّتِي أَقَامَ رَسْمَهَا قَصِيدَةَ أَوْلَاهَا:

مهترا بار خدایا ملک بغدادا سَدَق [سی] ویکم برتو مبارک بادا
فقطب نصر وجهه وزوی ما بین عینیهِ وَقَالَ: "این شمرن نی جه بایست" وتنغص تَلْكَ اللَّيْلَةَ وَلَمْ يَسْمَعِ
تَمَامِ الْقَصِيدَةِ وَلَمْ يَسْذِقْ بَعْدَهَا أَى لَمْ يَدْرِ عَلَيْهِ الْحَوْلَ حَتَّى مَاتَ.^{۲۶}

جشن سده (لیله السدق) جشنی بسیار کهن و یکی از سه جشن بزرگ آیینی ایرانیان در ایران باستان بوده که پس از اسلام نیز، تا پیش از حمله مغول در قرن هفتم هجری در نواحی مختلف ایران برگزار می شده است. این جشن در شامگاه دهمین روز ماه بهمن برگزار می شود. در وجه نامگذاری و علت برگزاری آن اقوال مختلفی آمده است. فردوسی در شاهنامه آن را به پیدایش آتش نسبت می دهد:

برآمد به سنگ گران سنگ خرد	هم آن و هم این سنگ گردید خرد
فروغی پدید آمد از هر دو سنگ	دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
جهاندار پیش جهان آفرین	نیایش همی کرد و خواند آفرین
که اورا فروغی چنین هدیه داد	همین آتش آن گاه قبله نهاد
یکی جشن کرد آتشب و باده خورد	سده نام آن جشن فرخنده کرد

بنا به این نقل ثعالبی، ابوجعفر موسوی چنین نقل می کند که در شبی که سی و یکمین جشن سده در زمان امیر ابوالحسن نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی (حکومت: ۳۰۱ تا ۳۳۱ قمری) در حال برگزاری بود، عباس اُرخسی، شاعر سمرقندی، قصیده ای در تبریک این عید سرود که با این بیت آغاز می شد:

۲۵. ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار و عدة الأبرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، ذیل آیه. من از مدتها پیش، اصل تفسیر خواجه عبدالله انصاری را براساس چهار نسخه خطی کشف شده تصحیح کرده ام که هنوز منتشر نشده است؛ با دقت در تفسیر این آیه در اصل تفسیر خواجه، روشن شد که این سخن در اصل تفسیر خواجه عبدالله نبوده، و صرفاً از بخش های افزوده شده میبیدی است.

۲۶. ثعالبی، ثمار القلوب، ص ۱۸۸. این ماجرا را بعدها زمخشری چنین نقل کرده است: «وعن نصر بن أحمد أن شاعراً جاءه ليلة السدق بقصيدة في أولها عدد أسدافه و كانت إحدى وعشرين، فأنكر العدد واغتاط، ولم يسمع ما بعده، ولم يسدق بعدها، إذ لم يدر عليه الحول» زمخشری، ربیع الآثار، ۱۷۸/۵. در این عبارت به جای سی و یک، عبارت بیست و یک (احدی و عشرين) آمده که با توجه به دوران ۳۱ ساله حکومت نصر بن احمد سامانی، این ضبط نادرست می نماید.

مهترا بار خدایا ملک بغدادا | سذق [سی] و یکم بر تو مبارک بادا

امیرنصر بن احمد بیان مدت حکمرانی خود در این بیت را به فال بد گرفت و حاضر به شنیدن ادامه قصیده نشد، و پس از آن سالی نگذشت که بمرد.

۳) كَانَتْ بُخَارَى فِي الدَّوْلَةِ السَّامَانِيَةِ مَثَابَةَ الْمَجْدِ وَكِعْبَةَ الْمَلِكِ وَمَجْمَعُ أَفْرَادِ الزَّمَانِ وَمَطْلَعُ نُجُومِ أَدْبَاءِ الْأَرْضِ وَمَوْسِمُ فِضْلَاءِ الدَّهْرِ فَحَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْمَوْسَوِي قَالَ اتَّخَذَ وَالِدِي أَبُو الْحَسَنِ دَعْوَةَ بِيخَارَى فِي أَيَّامِ الْأَمِيرِ السَّعِيدِ جَمَعَ فِيهَا أَفْضَلَ غُرَبَائِهَا كَأَبِي الْحَسَنِ اللَّحَامِ وَأَبِي مُحَمَّدٍ بْنِ مَطْرَانَ وَأَبِي جَعْفَرِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَسَنِ وَأَبِي مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْيَتَابِ وَأَبِي النَّصْرِ الْهَرَمِي وَأَبِي نَصْرِ الظَّرِيفِيِّ وَرَجَاءَ بْنِ الْوَلِيدِ الْأَصْبَهَانِيِّ وَعَلِيَّ بْنِ هَارُونَ الشَّيْبَانِيِّ وَأَبِي إِسْحَاقِ الْفَارِسِيِّ وَأَبِي الْقَاسِمِ الدِّيَّوَرِيِّ وَأَبِي عَلِيِّ الزُّوزَنِيِّ وَمَنْ يَنْخَرُطُ فِي سَلْكَهُمْ فَلَمَّا اسْتَقْرَبَهُمْ مَجْلِسُ الْأَنْسِ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَجَادِبُونَ أَهْدَابَ الْمَذَاكِرَةِ وَيَتَهَادُونَ رِيَاحِينَ الْمَحَاضِرَةِ وَيَقْتَفُونَ نَوَافِحَ الْأَدَبِ وَيَتَسَاقَطُونَ عُقُودَ الدَّرِّ وَيَنْفُثُونَ فِي عَقْدِ السَّحْرِ فَقَالَ لِي أَبِي يَا بَنِي هَذَا يَوْمٌ مَشْهُودٌ مَشْهُورٌ فَاجْعَلْهُ تَارِيخًا لِاجْتِمَاعِ أَعْلَامِ الْفَضْلِ وَأَفْرَادِ الْوَقْتِ وَاذْكُرْهُ بَعْدِي فِي أَعْيَادِ الدَّهْرِ وَأَعْيَانِ الْعُمْرِ فَمَا أَرَاكَ تَرَى عَلَى السَّنِينِ أَمْثَالَ هَؤُلَاءِ مُجْتَمِعِينَ فَكَانَ الْأَمْرُ عَلَى مَا قَالَ وَلَمْ تَكْتَحِلْ عَيْنِي بِمِثْلِ ذَلِكَ الْمَجْمَعِ.^{۲۷}

۴) حَدَّثَنِي السَّيِّدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْمَوْسَوِي قَالَ كُنْتُ بِبِيخَارَى كَثِيرًا مَا تَجَمَعَنِي وَأَيْنَ مَطْرَانَ فَأَرَى رَجُلًا مُضْطَرِبَ الْخَلْقَةِ مِنْ أَجْلَافِ الْعَجْمِ فَإِذَا تَكَلَّمَ حَكَى فِصْحَاءَ الْعَرَبِ عَلَى حِبْسَةِ يَسِيرَةٍ فِي لِسَانِهِ وَكَانَ يَجْمَعُ بَيْنَ أَدَبِ الدَّرْسِ وَأَدَبِ النَّفْسِ وَأَدَبِ الْأَنْسِ فَيَطْرِبُ بِنَثْرِهِ كَمَا يَطْرِبُ بِشَعْرِهِ وَيُؤَنِّسُ بِهِزْلَهُ كَمَا يُؤَسِّسُ بِجَدِّهِ وَقَدْ عِيرَهُ اللَّحَامُ فِي بَعْضِ أَهَاجِيهِ وَكَانَ بَيْنَهُمَا سَوْقُ السِّلَاحِ قَائِمَةً فَيَتَهَاجِيَانِ وَيَتَهَاتِرَانِ وَلَا يَكَادَانِ يَصْطَلِحَانِ وَكَانَ اللَّحَامُ يُرَبِّي عَالِيَهُ فِي الْهَجَاءِ وَلَا يَشْقُ غِبَارَهُ فِي سَائِرِ فَنُونِ الشَّعْرِ وَبَلَّغَنِي أَنَّ دِيْوَانَ شِعْرَائِنِ مَطْرَانَ حَمَلَ إِلَيَّ حَضْرَةَ الصَّاحِبِ فَأَعْجَبَ بِهِ فَقَالَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّ مَا وَرَاءَ النَّهْرِ يَخْرُجُ مِثْلَهُ وَمَرَّلُهُ فِي الشَّرَابِ الْمَطْبُوحِ

وَرَا حَ عَذْبَتَهَا النَّارَ حَتَّى | وَقَتِ شَرَابِهَا نَارَ الْعَدَابِ
يَذِيبُ الْهَمَّ قَبْلَ الْحَسُولُونَ | لَهَا فِي مِثْلِ يَاقُوتِ مَذَابِ
وَيَمْنَحُهَا الْمَزَاجَ لِهَيْبِ خَدِ | تَشْرَبُ مَآؤُهُ مَاءَ الشَّبَابِ

فتعجب من حسن البيت الأول وتحفظه.^{۲۸}

۵) ونظير هذه الحكاية في فحش المعنى وطهارة اللفظ ما أنشدني أبو جعفر محمد بن موسى الموسوي،

۲۷. ثعالبي، يتيمة الدهر، ۴/ ۱۱۵.

۲۸. ثعالبي، يتيمة الدهر، ۴/ ۱۳۲.

قال أنشد محمد بن عيسى الدامغاني ولم يسم قائله:

تذكر اذ أرسلته بيدقا فيك فوا فاني فرزانا^{۲۹}

۶) وَسَمِعْتُ السَّيِّدَ أَبَا جَعْفَرَ المَوْسَوِي يَقُولُ عَاتَبَ بَعْضُ النَّاسِ صَدِيقًا لَهُ عَلَى إِخْلَالِهِ بِإِضَافَتِهِ بَعْدَ أَنْ كَانَ يَدْعُوهُ كَثِيرًا فَقَالَ مَا الَّذِي أَنْكَرْتَ مِنِّي هَلْ نَبَشْتُ وَسَادَتَكَ هَلْ قَلَبْتَ حَمَلَكِ هَلْ بَعَثْتَ أَبْرَارَكَ هَلْ أَكَلْتَ بَيْضَةَ بَقِيلَتِكَ هَلْ تَقَلَّتْ فِي طَسْتِكَ.^{۳۰}

۷) حدثني أبو جعفر محمد بن موسى الموسوي قال دخلت يوماً إلى الشيخ أبي نصر بن أربد ببخاري وعنده علوي مبرم تأذى بطول جلوسه وكثرة كلامه فلما نهض قال لي أبو نصر ابن عمك هذا خفيف على القلب فقلت له نعم مساعد له على رأيه فتبسم ضاحكا من قولي وقال لي أراك لم تظن للغرض فما ذلت أفكر حتى وقع لي انه أراد خفيفا مقلوبا وهو الثقيل وهذا المعنى أراد سعد دوست بقوله:

وأنقل من قد زراني وكأنما تقلب في أجفان عيني وفي قلبي^{۳۱}

۸) وَقَالَ لِي السَّيِّدُ أَبُو جَعْفَرَ المَوْسَوِي يَوْمًا وَأَنَا مَعَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ وَقَدْ قَدِمَ لِي لَوْنٌ فِي غَايَةِ الْحَرَاةِ كَأَنَّهَا طَبَخَتْ بِنَارِ شَوْقِي إِلَيْكَ.^{۳۲}

۹) أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الغَوَاصِ؛ مِنْ قَوَايِمِ الْجُنَيْدِ مِنْ رَسْتَاقِ بَسْتِ بَنِي سَابُورِ أَدِيبِ مِتْبَحْرِ فِي اللُّغَةِ شَاعِرٍ بِالسَّانِينِ كَثِيرِ المَحَاسِنِ وَهُوَ الْآنَ حَيٌّ يَزُوقُ وَهْ نِعْمَةً وَدهقنة وديوان شعره، عظيم الحجم ومن ملحه قوله... وَقَوْلُهُ فِي دَارِ السَّيِّدِ أَبِي جَعْفَرَ المَوْسَوِي:

يَا دَارَ سَعْدٍ قَدْ عَلَتْ شَرَفَاتِهَا بَنِيَتْ شَبِيهَةً قَبْلَةَ لِلنَّاسِ

لِوُزُودٍ وَفَدٍ أَوْ لِدَفْعِ مَلْمَةِ أَوْ بَدَلِ مَالٍ أَوْ إِدَارَةِ كَاسٍ^{۳۳}

۲۹. ثعالبي، رسائل الثعالبي، ص ۲۴.

۳۰. ثعالبي، ثمار القلوب، ص ۴۹۸.

۳۱. رسائل الثعالبي، ص ۳۳. ابن سخن را بعدها ابن الجوزی عیناً در الاذکیاء (ص ۱۵۷) نقل کرده است: روى أَبُو جَعْفَرَ مُحَمَّدُ بْنُ مَوْسَى المَوْسَوِي قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي نَصْرِ بْنِ أَبِي زَيْدٍ وَعِنْدَهُ عَلْوِي مَبْرَمٌ فَتَأَذَى بِطَوْلِ جُلُوسِهِ وَكَثْرَةِ كَلَامِهِ فَلَمَّا نَهَضَ قَالَ لِي أَبُو نَصْرِ بْنِ عَمِّكَ هَذَا خَفِيفٌ عَلَى الْقَلْبِ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ مَا أَظُنُّكَ فَهَمْتُ فَفَكَّرْتُ فَعَلِمْتُ أَنَّهُ أَرَادَ خَفِيفًا مَقْلُوبًا وَهُوَ الثَّقِيلُ وَهَذَا الْمَعْنَى الَّذِي أَرَادَهُ أَبُو سَعِيدِ بْنِ دُوسْتٍ:

يقلب في أجفان عيني وفي قلبي
أراك على قلبي خفيفا على القلب

فلم نعط المنى والصبر عنهما
وجدناها بخدف التصف مئها

وأنقل مني زائري وكأنما
فقلت له لما برمت بقره

وصف لشاعر طيب خراسان فلما سافر إليها لم تعجبه فقال

تمينا خراسانا زمانا
فلما أن أتيناها سراجا

۳۲. ثعالبي، ثمار القلوب، ص ۵۸۳.

۳۳. ثعالبي، يتيمة الدهر، ۴/ ۵۱۰۵۰۹. ابن توصيف ابو عبدالله الغواص از خانه ابو جعفر موسوی در نیشابور با سایر توصیفات معاصران وی در خصوص بخشندگی و شرافت نسب وی مطابقت دارد که بیشتر از قول ابو نصر محمد بن عبد الجبار عتبی آوردم.

۱۰) وَأُنشِدُنِي السَّيِّدَ أَبُو جَعْفَرَ الموسوي لَهُ فِي أَبِي الْعَبَّاسِ وَكَانَ يَلْقَبُ بطويس:

وَقَائِلَ قَالِ سِرَا عَن غَيْرِ لِبِ وَكَيْسِ
لَمْ لَا تَنِيكَ طُويسَا وَأَنْتَ جَارُ طُويسِ^{۳۴}

۱۱) وَأُنشِدُنِي السَّيِّدَ أَبُو جَعْفَرَ الموسوي قَالَ أَنشِدُنِي الهزيمي لِنَفْسِهِ:

مَنْ كَفَّ سَيْفَ عَلِيٍّ عَن مَقَاتِلِهِ كَفَفْتُ غَرْبَ لِسَانِي عَن تَنَاوُلِهِ
مَنْ الْفُضُولَ دَخُولِي فِي مِظَالِمِهِ وَتَرَكَ فِي الْقَوْلِ فِي أَفْصَى فِضَائِلِهِ
اللَّهُ يَسْأَلُ عِبْدًا عَن جَرِيرَتِهِ وَعَن جَرَائِرِ قَوْمٍ غَيْرِ سَائِلِهِ^{۳۵}

۱۲) أَبُو نصر الظرفي الأبيوردي؛ حَدَّثَنِي السَّيِّدُ أَبُو جَعْفَرَ الموسوي قَالَ كَانَ لِلظرفي عَلِيٍّ الهزيمي دَرَسَ
وَمُنَى اقْتَبَسَ فَخَرَجَ كَاتِبًا شَاعِرًا ظَرِيفًا كَلِقَبَهُ وَكَانَ وَارِدًا عَلَى الْحَضْرَةِ كَثِيرًا لِإِقَامَةِ بَيْتِهَا مَدَاخِلًا لِفَضَائِلِهَا
مُتَصَرِّفًا مِنْهَا عَلَى أَعْمَالِ الْبَرِيدِ وَكَانَ أَبُو عَلِيٍّ الْبَلْعَمِيُّ يُكْرِمُهُ وَيُنَادِمُهُ بِأَقْرَبِ قَصِيدَةٍ يَسْلُكُ فِيهَا
طَرِيقَ الْمُتَقَدِّمِينَ فَخَامَةً وَجَزَالََةً فَأَنْشَدَهُ مِنَ الْعَدِّ قَصِيدَةً فِي مَدْحِهِ كَأَنَّهَا صَدْرَتْ عَن أَحَدِ فَحُولَةِ
الشُّعْرَاءِ الْجَاهِلِيِّينَ فَارْتَضَاهَا وَخِيَرَهُ فِي أَعْمَالِ الْبَرِيدِ بِيَلَادِ خُرَّاسَانَ فَاخْتَارَ بَلَدَهُ أَبِيورِدَ وَتَنَجَزَ الْمَنْشُورُ
وَالصَّلَاةُ وَشَخْصٌ؛ وَمَنْ مَشْهُورٌ سَائِرُ شِعْرِهِ قَوْلُهُ:

أَرَى وَطَنِي كَعَشٍ لِي وَلَكِنْ أَسَافِرَ عَنْهُ فِي طَلَبِ الْمَعِاشِ
وَلَوْلَا أَنْ كَسَبَ الْقُوتَ فَرَضَ لِمَا بَرِحَ الطُّيُورُ مِنَ الْعِشَاشِ^{۳۶}

۱۳) أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الْجَزْجَانِيُّ الْمَقْلَبُ طَرْمَطَرَقُ؛ كَاتَبَ شَاعِرَ ظَرِيفٍ فَاضِلٍ مِنْ أَعْيَانِ
الْعَمَلِ بِبِخَارَى وَقَدْ تَقَدَّمَ ذِكْرُهُ عِنْدَ ذِكْرِ الْهَزِيمِيِّ. أَنشِدُنِي السَّيِّدَ أَبُو جَعْفَرَ الموسوي قَالَ أَنشِدُنِي أَبُو
عَبْدِ اللَّهِ لِنَفْسِهِ

نَصِيْبِنَا مِنْ طُولِ أَمَالِنَا تَعَسَفَ فِي خِدْمَةِ دَائِبِهِ
وَخَاصِلِ الذَّلِّ بِلَا طَائِلِ وَالشَّأْنُ فِي مَنْتَظَرِ الْعَاقِبَةِ^{۳۷}

۱۴) أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى الدَّامَغَانِيُّ؛ تَشَنَّى بِهِ الْخِنَاصِرَ وَتَضْرِبُ بِهِ الْأَمْثَالَ فِي حَسَنِ الْخَطِّ وَالْبَلَاغَةِ

۳۴. ثعالبي، يتيمة الدهر، ۴/ ۱۴۴.

۳۵. ثعالبي، يتيمة الدهر، ۴/ ۱۵۰.

۳۶. ثعالبي، يتيمة الدهر، ۴/ ۱۵۳.

۳۷. ثعالبي، يتيمة الدهر، ۴/ ۱۷۵.

وَأدب الْكِتَابَةِ وَالْوِزَارَةَ... وَوَلِي دِيَوَانَ الرِّسَائِلِ دَفْعَاتٍ وَالْوِزَارَةَ مَرَّاتٍ وَكَانَ يَقُولُ الشُّعْرَ وَلَا يَظْهَرُهُ وَيُحِبُّ
الْأَدَبَ وَيَكْرَهُ أَهْلَهُ... وَأُنشِدُنِي السَّيِّدَ الشَّرِيفَ أَبُو جَعْفَرَ المَوْسَوِي قَالَ أَنشِدُنِي أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدَ ابْنِ
عِمْسَى وَلَمْ يَسْمِ قَائِلًا:

تذکر اِذْ اُزْسَلْتَهُ بِيَدِقَا فَيْكَ فَوْفَانِي فِرْزَانَا^{۳۸}

(۱۵) وسمعت أبا جعفر محمد بن موسى الموسوي يقول: كان على رضي الله عنه يقول: قبله الوالدين
عبادة وقبله الوالد رحمة، وقبله الولد رحمة، وقبله المرأة شهوة، وقبله الأخر مبرة، فزاد فيه الحسن
البصري: وقبله الملك العادل طاعة.^{۳۹}

(۱۶) وسمعت أبا جعفر محمد بن موسى الموسوي الطوسي قال كان أبو منصور محمد بن عبد الرزاق
يقول: قد ألان الله لأهل طوس الحجارة كما ألان لداود عليه السلام الحديد.^{۴۰}

(۱۷) أبو جعفر الموسوي الطوسي، كتب إلى صديق له: عِنْدِي يَا سَيِّدِي سَفِيدًا نَاجِيَةً، كَأَنَّمَا طَبَخْتَ بِنَارِ
شَوْقِي إِلَيْكَ، وَقَلِيَّةٌ أَحْمَضُ مِنْ فِرَاقِي إِيَّاكَ، وَخَبِيصٌ أَحْلَى مِنْ مَوَدَّتِي لَكَ.^{۴۱}

(۱۸) ولأبي جعفر الموسوي:

أَيُّ خَيْرٍ تَرْجُو بِنَوَالِدِهِ الرَّحْمَةِ وَمَا زَالَ قَاتِلًا لِبَنِيهِ

مَنْ يَعْمَرُ يَفْجَعُ بِفَقْدِ الْأَخْلَاءِ وَمَنْ مَاتَ فَالْمَصِيْبَةُ فِيهِ^{۴۲}

پاره دوم مقاله

قرآن وقفی ابوجعفر موسوی بر حرم رضوی

پس از این مقدمه در باب زندگی و شخصیت ابوجعفر محمد بن موسی الموسوی، به معرفی قرآن وقف
شده از سوی وی بر حرم امام رضا علیه السلام می پردازیم. جستجوی سال های اخیر من در مجموعه
نسخه های قرآنی کتابخانه آستان قدس رضوی، تنها به کشف پنج جزء (۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، و ۲۲) از قرآن
ابوجعفر موسوی در این کتابخانه منجر شد. یکی از این جزوات (ش ۳۲۷۷) بدون وقف نامه است که

۳۸. ثعالبی، یتیمه الدهر، ۴/ ۱۶۳، ۱۶۴.

۳۹. ثعالبی، آداب الملوك، ص ۵۳.

۴۰. ثعالبی، لطائف المعارف، ص ۱۱۸. ثعالبی در کتاب دیگرش می گوید که ابوجعفر موسوی خود این سخن را مکرر می گفت:
«وکتیراً ما يقول السيد الموسوي الطوسي: قد ألان الله لنا الحجارة كما ألان لداود عليه السلام الحديد.» ثعالبی، ثمار القلوب
للمضاف والمنسوب، ص ۴۳۵.

۴۱. ثعالبی، خاص الخاص، ص ۵۸.

۴۲. ثعالبی، اللطائف والظرائف، ص ۲۴. نیز برای برخی نقل های دیگر، نک. ثعالبی، یتیمه الدهر، ۴/ ۱۵۰؛ ثعالبی، ثمار القلوب،

در این مورد، صرفاً بر اساس شباهت کامل خط و ظواهر نسخه داوری کرده‌ام. همچنین در انتهای یکی از این جزوات (ش ۳۲۹۷)، تک بگی از جزء ۲۷ قرآن نیز قرار گرفته است که از سایر اوراق آن نشانی نیافته‌ام. هرچند احتمال از بین رفتن سایر بخش‌های این قرآن در اثر آسیب دیدگی و حوادث طبیعی محتمل است، یافته شدن تکه‌ای دیگر از این اثر در جایی از کتابخانه‌ها و موزه‌های ایران و جهان نامحتمل نیست. خوشبختانه سه جزء متوالی از این مصحف سی پاره، در جزوات شماره ۳۲۹۸، ۳۲۹۹ و ۴۸۷۸ اکنون باقی مانده است. جدول ش ۱ نشان می‌دهد که کاتب قرآن، آیه «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نُنزِلُ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا» (فرقان، ۲۱) را هم در انتهای جزء هجدهم (نسخه ش ۳۲۹۸) و هم در ابتدای جزء نوزدهم (نسخه ش ۳۲۹۹) نوشته است. محتوای پنج جزوه باقی مانده در کتابخانه آستان قدس رضوی به شرح زیر است:

جدول ش ۱: فهرست اجمالی جزوه‌های باقی مانده از قرآن ابوجعفر موسوی
 در کتابخانه آستان قدس رضوی

شماره جزوه	تعداد برگ	جزء	محتوای قرآنی	آغاز نسخه	انجام نسخه
۳۲۹۷	۴۲	۱۴	حجر، ۱- نحل، ۱۲۸	قال فما خطبکم	والذین هم محسنون
۳۲۹۸	۴۸	۱۸	مومنون، ۱- فرقان، ۲۱	بسملة. قد افلح	عتواً کبیراً
۳۲۹۹	۴۸	۱۹	فرقان، ۲۱- نمل، ۵۵	وقال الذین لا یرجون	بل انتم قوم تجهلون
۴۸۷۸	۳۹	۲۰	نمل، ۵۶- عنکبوت، ۴۳	فما کان جواب قومه	الا العالمون
۳۲۷۷	۴۷	۲۲	احزاب، ۳۱- یس، ۲۷	ومن یقنت منکن	من المکرمین
۳۲۹۷ (الحاقی)	۱	۲۷	ذاریات، ۳۱-۳۲	قال فما خطبکم	مسومة عند

توصیف کلی قرآن

به طور کلی باید گفت این نسخه‌ای معمولی از قرآن در ۳۰ پاره بوده که معمولاً برای وقف در مساجد، مقابر، مدارس، و یا استفاده شخصی مالک کتابت می‌شده است. از این رو، نه خط و تذهیب آن از زیبایی و ظرافت فوق العاده برخوردار است و نه متن قرآن در این نسخه اصلاح و بی غلط شده است. معمولاً در نسخه‌های کتابت شده از سوی کاتبان معروف و برجسته، و نیز در مصاحف سفارش داده شده از سوی امیران، وزیران و فرمانروایان با خط و تذهیب بسیار زیباتر، و متن قرآن کم اشتباه‌تر روبرو هستیم. دستخط کاتب در قرآن ابوجعفر موسوی تقریباً از تمامی عناصر خط کوفی بیرون آمده و نمونه‌ای از نسخ کهن در اواخر قرن چهارم را نشان می‌دهد. از این رو می‌توان گفت در این نسخه، یکی از کهن‌ترین نمونه‌های نسخ ایرانی متعلق به اواخر قرن چهارم هجری را یافته‌ایم.

کاتب تمام جزوات خود را (حتی آنها که از آغاز سوره نیستند)، با بسمله آغاز می‌کند. جزوات ۳۲۹۷

(جزء ۱۴) و ۳۲۹۸ (جزء ۱۸) با سوره های حجر و مومنون آغاز می شوند که وجود بسمله در ابتدای آنها طبیعی است. اما جزوه ۳۲۹۹ (جزء نوزدهم قرآن) با آیه «وقال الذین لا یرجون لقاءنا» (فرقان، ۲۱)، و جزوه ۴۸۷۸ (جزء بیستم قرآن) با آیه «فما کان جواب قومه» (نمل، ۵۶)، و جزوه ۳۲۷۷ با عبارت «ومن یقنت منکن» (احزاب، ۳۱) آغاز می شوند که کاتب در ابتدای این هر سه، بسمله را نیز کتابت کرده است (تصاویر ۷ و ۸). همچنین در یک برگ الحاقی به جزوه ش ۳۲۹۷ که این برگ حاوی آغاز جزء ۲۷ قرآن است، کاتب آیه «قال فما خطبکم أیها المرسلون» (ذاریات، ۳۱) را نیز با بسمله آغاز می کند (تصویر ۵).

کاتب یا مُدَّهَب نسخه تنها سوره ها (حاوی نام سوره و تعداد آیات آن) را به خط کوفی و قلم زر کتابت می کند که تُرنجی در حاشیه به آن متصل شده است (تصویر ۳). نسخه علائم پایان آیه (برای اشاره به جدا سازی آیات) را ندارد. اما نشانه های تخمیس و تعشیر را در خود دارد. علامت تخمیس مشابه یک بادام زرین (احتمالاً حاوی حرف هاء به نشانه عدد ۵ در ابجد) است، و علامت تعشیر شمسه ای زرین و کنگره دار در حاشیه برگه با ذکر عدد آیه به حروف ابجد (ک، ل، م، ...) است. به علاوه، علامت سجده (مثلاً در جزوه ۳۲۹۹، برگ ۹ الف) به صورت یک ستاره شش پیراود در حاشیه ترسیم شده است (تصویر ۹). نیز در جزوه ۳۲۹۹، برگ ۴۳ الف، و جزوه ۳۲۹۷، برگ ۲۲ الف، به صورت یک ستاره ۸ پرتسیم شده است. همچنین در این قرآن مواضع شروع أسباع هفت گانه (تقسیم بندی هفت بخشی قرآن) معین شده، و آغاز هر سبوع به قلم زر و با خط کوفی درشت همانند آغاز سوره های قرآن ترسیم و نشان داده شده است (تصویر ۱۰).

کاتب بنا به سنت کهن ایرانیان، در زیر حرف سین، یک یا سه نقطه، و معمولاً در زیر حروف دال، راء و صاد، و طاء یک نقطه می گذارد تا آن را از حروف مشابه نقطه دار متمایز کند. این شیوه ای کاملاً متداول در قرآن نویسی ایرانی از قرن سوم هجری تا چندین سده بعد است. کاتب همچنین برای پر کردن انتهای سطر و تراز کردن سطور گاه از علامت تنوین (ر) استفاده می کند. مثلاً در جزوه ۳۲۹۸، برگ ۲۷ الف. گاه وی این علامت تنوین را در میان کلمه آخر سطر قرار می دهد. مثلاً در کتابت «آمنوا» در جزوه ۳۲۹۸، برگ ۴۰ الف، سطر ۳؛ جزوه ۳۲۹۹، برگ ۱۷ الف، سطر ۲؛ نیز در جزوه ۳۲۹۷، برگ ۲۱ الف، سطر ۲؛ و در کتابت «ظھیراً» در جزوه ۴۸۷۸، برگ ۲۹ ب، سطر ۴؛ و در کتابت «فاعرضوا» در جزوه ۳۲۷۷، برگ ۲۰ ب، سطر ۳. و گاه آن را در ابتدای سطر قرار می دهد؛ مثلاً در جزوه ۴۸۷۸، برگ ۲۵ الف، سطر ۱ و ۲؛ و برگ ۳۶ الف، سطر ۱.

اعراب گذاری و سایر علائم

جزوات قرآنی ابوجعفر موسوی بسیار پُر علامت است. علامت گذار نسخه را با استفاده از علائم اعرابی جدید (منتسب به خلیل بن احمد) اعراب گذاری کرده است. این اعراب در اصل با رنگ قرمز قرار

داده شده و افزون بر آن نیز گاه از رنگ سبز برای اشاره به قرائت دیگر نیز استفاده شده است. این بدان معناست که قرائت اصلی و پایه در این مصحف با رنگ قرمز، و قرائت ثانوی با رنگ سبز مشخص می‌شود. علائم دیگر چون همزه، مدّ، سکون و نیز نشانه وقف با رنگ‌های دیگری چون قهوه‌ای کم‌رنگ (نزدیک به زرد) و آبی وارد شده است.

برای تسهیل در قرائت قرآن، و نیز در اشاره به جواز و عدم جواز وقف، نشان‌های مختلفی در نسخه‌های قرآن ابوجعفر موسوی هست (جدول ش ۲). برای نشانه وقف، از دو عبارت «قف» و «لا» در بالای کلمه استفاده شده است. از آنجا که از حرف «لا» در جاهای بسیار غیرمنطقی و ظاهراً نابجا استفاده شده است (مثلاً بین فعل و فاعل در «صَرَبَ اللهُ» (نحل، ۷۵) در جزوه ۳۲۹۷، برگ ۲۷ ب، و در «تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ» (نحل، ۳۲)، جزوه ۳۲۹۷، برگ ۱۸ الف؛ یا بین مضاف و مضاف الیه در «مِنْ دُونِ اللهِ»، جزوه ۳۲۹۹، برگ ۱۸ الف)، می‌توان حدس زد که این نشانه‌گذاری وقف، نسبتاً کهن باشد و به زمان کتابت نسخه در اواخر قرن چهارم یا اوایل سده پنجم هجری بازگردد. مراد از علامت «حف / خف» در جزوات قرآنی ابوجعفر موسوی، تخفیف کلمه بدون تشدید است: مثلاً بر روی «لِما» در جزوه ۳۲۹۹، برگ ۹ الف؛ بر روی «لِما» (نحل، ۱۱۶) در جزوه ۳۲۹۷، برگ ۳۷ ب؛ بر روی کلمه «علِمنّا» (حجر، ۲۴) در جزوه ۳۲۹۷، برگ ۴ ب؛ بر روی «آلا» (نحل، ۵۹) در جزوه ۳۲۹۷، برگ ۲۳ ب؛ بر روی «فکلوا» (نحل، ۱۱۴) در جزوه ۳۲۹۷، برگ ۳۷ الف؛ و بر روی «رَدَفَ» (نمل، ۷۲) در جزوه ۴۸۷۸، برگ ۵ ب. همچنین مراد از حرف اختصاری «تم / بم»؟ مثلاً بعد از «بما صبروا» (مومنون، ۱۱۱)، در جزوه ۳۲۹۸، برگ ۱۹ ب؛ بعد از «کلا» (شعراء، ۱۵) در جزوه ۳۲۹۹، برگ ۱۴ الف؛ بعد از «بأسکم» (نحل، ۸۱)، در جزوه ۳۲۹۷، برگ ۲۹ ب؛ نیز بعد از کلمه «الاقدمون» (شعراء، ۷۶) در جزوه ۳۲۹۹، برگ ۲۱ ب، احتمالاً اشاره به گونه‌ای از اتمام معنای جمله، و حُسن وقف است. چنین نشانه‌ای را در سایر مصاحف و قرآنی‌های این دوره تاکنون نیافته‌ام.

جدول ش ۲: فهرستی از نشان‌های کاتب نسخه برای تسهیل در امر قرائت قرآن

معنی	علامت
وقف	قف/ وقف
عدم وقف	لا
تخفیف در برابر تشدید	حف
اتمام کلام / حسن وقف؟	تم / بم؟
همزه	ء

سهو کاتب و اصلاحات متن:

مانند اغلب قرآن‌های کهن - به ویژه قرآن‌های عادی و متعارف در میان عموم - در قرآن ابوجعفر موسوی

نیز سهو کاتب رخ داده است. برخی از این اشتباهات که امری متفاوت از موضوع اختلاف در رسم و املا و اختلاف در قرائت اند، از سوی خوانندگان بعدی نسخه اصلاح شده، اما پاره ای از آنها همچنان در متن این جرواوت قرآنی دیده می شوند. فهرست زیر برخی اشتباهات کاتب را گرد آورده است که عموم آنها در زمانی متأخر با قلمی متفاوت اصلاح شده اند:

جزوه ۳۲۷۷، برگ ۱۲، کلمه «فیها» از عبارت «ثم لا یجاورونک فیها» (احزاب، ۶۰) افتاده، و بعداً با قلمی متفاوت افزوده شده است.

جزوه ۳۲۹۷، برگ ۸، «قالوا بل» (حجر، ۶۳)، اشتباهها قال بل نوشته شده، و بعداً با قلمی متفاوت اصلاح شده است.

جزوه ۳۲۹۷، برگ ۱۰ الف، «لظالمین» (حجر، ۷۸) اشتباهها الظالمین نوشته شده و بعداً الف زائد پاک شده است.

جزوه ۳۲۹۷، برگ ۱۱، «عضین» (۹۱) اشتباهها عظیم نوشته و بعداً اصلاح شده است.

جزوه ۳۲۹۷، برگ ۲۲، عبارت «ثم اذا مسکم الضر» (نحل، ۵۳) مکرر نوشته شده، و مورد دوم خط خورده است.

جزوه ۳۲۹۷، برگ ۲۶ الف و ب، کلمه «ثم» مکرر نوشته شده که مورد نخست بعداً خط خورده است.

جزوه ۳۲۹۷، برگ ۳۰ ب و ۳۱ الف، کلمه «الذین» (نحل، ۸۸) مکرر نوشته شده، و پس از اعراب گذاری، مورد نخست در انتهای برگ ۳۰ ب خط خورده است.

جزوه ۳۲۹۸، برگ ۹، «عابدون» (مومنون، ۴۷) اشتباهها عابدین نوشته شده و بعداً اصلاح شده است.

جزوه ۳۲۹۸، برگ ۱۵، «سیقولون لله» (مومنون، ۸۵)، اشتباهها به سیقولون الله، اصلاح شده که الف آن زائد است، و این امر در هیچ قرائتی ثبت نشده است. (تصویر ۶).

جزوه ۳۲۹۸، برگ ۲۵، «تعودوا» (نور، ۱۷) با حذف الف زینت نوشته شده، و بعداً اصلاح شده است. همچنین است کلمه «فالقوا» (فرقان، ۴۴) در جزوه ۳۲۹۹، برگ ۱۸ الف.

جزوه ۳۲۹۸، برگ ۳۳ الف، «نور علی نور» (نور، ۳۵) ابتدا نار علی نور نوشته شده، و بعداً در بالای کلمه نار، کلمه نور اضافه شده اما نار پاک نشده است.

جزوه ۳۲۹۸، برگ ۴۰ الف، معجزین (نور، ۵۷) ابتدا معاجزین نوشته شده، و بعداً اصلاح شده است.

جزوه ۳۲۹۹، برگ ۳۳ ب و ۳۴ الف، کلمه «علما» (شعرا، ۱۹۷) دو بار نوشته شده که مورد دوم بعداً خط خورده است.

در جزوه ۳۲۹۹، برگ ۳۶ الف، آیات ۲۱۷ و ۲۱۸ سوره شعراء مکرر نوشته شده است، و اعراب گذار آنها را با قلم قرمز خود خط زده و اعراب گذاری هم نکرده است.

جزوه ۳۲۹۹، برگ ۴۴ الف، «اولوا باس» (نمل، ۳۳) بدون واو اول، و به صورت «الوا باس» نوشته شده است.

جزوه ۳۲۹۹، برگ ۴۵ ب، در عبارت «اشکرام اکفر» (نمل، ۴۰)، میم افتاده و بعداً با قلمی مغایر افزوده شده است.

جزوه ۴۸۷۸، برگ ۳۷ الف، ائتنا (عنکبوت، ۲۹)، اتنا نوشته شده و همچنان اصلاح نشده باقی مانده است.

و سرانجام اینکه در برخی صفحات، بخشی از آیه به دلیل سهو کاتب افتاده است و بعداً با قلم نسبتاً متفاوتی در میان سطور یا در حاشیه برگه استدراک شده است. برای نمونه: در جزوه ۳۲۹۸، برگ های ۷ ب، ۸ الف، ۱۵ الف، ۲۲ ب، ۲۷ ب. در جزوه ۳۲۹۹، برگ های ۹ الف، ۲۴ الف، ۳۱ ب. و در جزوه ۳۲۹۷، برگ ۳۳ الف.

رسم المصحف

املاء یا رسم کلمات در قرآن ابوجعفر موسوی، مطابق با رسم عثمانی نیست و در بیشتر موارد به رسم قیاسی و املائی است. این امر بیشتر از هر جا، در اثبات «الف» در کلمات مختلف چون السماوات، الصالحات، القيامة، کتاب، و آیات و نظائر آن خود را می نمایاند. به همین سان، برخلاف رسم عثمانی، اللیل با دو لام نوشته شده، یاء (حرف ندا) جدا از اسم منادای بعد از خود - در کلماتی مانند یا هامان، و یا موسی - کتابت شده، و اسمهای بروزن فاعل (در حالت مفرد یا جمع مذکر و جمع مؤنث) همواره با الف نوشته شده اند. فهرست زیر برخی از موارد شاخص از مخالفت با رسم عثمانی در قرآن ابوجعفر موسوی نشان می دهد:

جُزْءٌ مَّقْسُومٌ (حجر، ۴۴)، جزوه ۳۲۹۷، برگ ۶ ب، که بعداً تبدیل شده است به: جُزْءٌ مَّقْسُومٌ فَأَنَّا تُشْحَرُونَ (مؤمنون، ۸۹)، به جای «فَأَنِّي تُشْحَرُونَ» جزوه ۳۲۹۸، برگ ۱۶ الف

جاوا (نور، ۱۱ و ۱۳)، جزوه ۳۲۹۸، برگ ۲۳ ب و برگ ۲۴ الف

جاوا (فرقان، ۴)، جزوه ۳۲۹۸، برگ ۴۴ ب؛ جاوا (نمل، ۸۴)، جزوه ۴۸۷۸، برگ ۶ ب

آیه المؤمنون (نور، ۳۱) در جزوه ۳۲۹۸، برگ ۳۰، ابتدا ایها نوشته شده و بعداً الف انتهای آن پاک شده است

تراءى الجمعان (شعرا، ۶۱)، به جای «تراء الجمعان» در جزوه ۳۲۹۹، برگ ۲۰ الف
 اهاکذی عرشک (نمل، ۴۲)، به جای «أهکذا عرشک» در جزوه ۳۲۹۹، برگ ۴۶ الف
 ولّو (نمل، ۸۰)، جزوه ۴۸۷۸، برگ ۶ الف، که بعداً تبدیل شده است به ولّوا
 امرأة و قرّة (قصص، ۹)، به جای امرأت و قرّت در جزوه ۴۸۷۸، برگ ۱۰ ب

اختلاف قرائات

از بررسی هایی که تاکنون در مصاحف کتابت شده در قرون نخست انجام گرفته، و بخشی از آنها در سلسله مقالات پیشین از صاحب این قلم، به انتشار رسیده است، چنین درمی یابیم که عموم قرآن ها و مصاحف کتابت شده در قرون نخست (به ویژه در مشرق جهان اسلام) به یک قرائت واحد از ابتدا تا انتها کتابت نشده اند.^{۴۳} در این قرآن ها، اغلب یکی از اختیارات قرائی رایج در ایران، یا سایر مناطق جهان اسلام مانند اختیار ابو عبید یا اختیار ابوحاتم مورد نظر کاتب بوده است. بخش های مختلف قرآن ابو جعفر موسوی نیز چنین است و در آن قرائت ابو عمرو (از قراء سبعة) و یعقوب حضرمی (از قراء عشرة)، هر دو از قاریان بصری بسیار غلبه و برجستگی دارد. جدول شماره ۳، فهرستی از مهم ترین مواضع اختلاف قرائت (مخالف با روایت حفص از عاصم) در قرآن ابو جعفر موسوی را در پنج جزء برجای مانده در کتابخانه آستان قدس رضوی نشان می دهد.

جدول ش ۳: مهم ترین مواضع اختلاف قرائت
 (مخالف با روایت حفص از عاصم) در قرآن ابو جعفر موسوی

نسخه	برگ	سوره و آیه	قرائت متن نسخه	مطابق با قرائت	قرائت حفص	رنگ
۳۲۹۷	۲ ب	حجر، ۸	مَا تَنْزِيلُ الْمَلٰٓئِكَةِ	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	مَا تَنْزِيلُ الْمَلٰٓئِكَةِ	قرمز
۳۲۹۷	۸ الف	حجر، ۵۶	يَقْبِضُ	کسائی، خَلَف، ابوعمر، یعقوب	يَقْبِضُ	قرمز
۳۲۹۷	۱۴ الف	نحل، ۱۲	وَالنُّجُومُ مُسَخَّرٰتٌ	حمزه، کسائی، خَلَف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	وَالنُّجُومُ مُسَخَّرٰتٌ	قرمز
۳۲۹۷	۱۵ ب	نحل، ۲۰	تَدْعُونَ	حمزه، کسائی، خَلَف، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	يَدْعُونَ	سیاه
۳۲۹۷	۲۱ الف	نحل، ۴۳	يُوحٰى	حمزه، کسائی، خَلَف، شُعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	نوحى	سیاه
۳۲۹۷	۳۳ ب	نحل، ۹۶	وَلَيَجْزِيَنَّ	حمزه، کسائی، خَلَف، ابوعمر، یعقوب، نافع، هشام، ابن ذکوان	وَلَيَجْزِيَنَّ	سیاه
۳۲۹۸	۴ ب	مؤمنون، ۲۰	سَيِّئًا	ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	سَيِّئًا	قرمز

۴۳. برای نمونه نک: مرتضی کریمی نیا، «نسخه شناسی مصاحف قرآنی»، شماره ۱ تا ۱۱، مجموعه مقالات انتشار یافته در مجله آینه پژوهش، شماره های ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۸ و ۱۸۵.

نسخه	برگ	سوره و آیه	قرائت متن نسخه	مطابق با قرائت	قرائت حفص	رنگ
۳۲۹۸	ب ۶	مؤمنون، ۲۷	مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ	حمزة، کسائی، خَلْف، شُعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ	قرمز
۳۲۹۸	الف ۸	مؤمنون، ۳۵	مُتَّم	ابن عامر، ابوعمرو، یعقوب، شُعبه، ابن کثیر، ابوجعفر	مُتَّم	قرمز
۳۲۹۸	الف ۹	مؤمنون، ۴۴	تَتْرَى (سیاه) تَتْرَى (قرمز) بالاهماله	ابن کثیر، ابوعمرو، ابوجعفر، الحسن، ابن محیصن ابوعمرو (فی روایه)، حمزة، کسائی، خَلْف	تَتْرَا	سیاه قرمز
۳۲۹۸	الف ۱۰	مؤمنون، ۵۱	زُبُوءَ	حمزة، کسائی، خَلْف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	زُبُوءَ	قرمز
۳۲۹۸	الف ۱۵	مؤمنون، ۸۲	مُتَنَا	ابن عامر، ابوعمرو، یعقوب، شُعبه، ابن کثیر، ابوجعفر	مِتَنَا	سیاه
۳۲۹۸	ب ۱۵	مؤمنون، ۸۷	سَيَقُولُونَ اللَّهُ	ابوعمرو، یعقوب	سَيَقُولُونَ اللَّهُ	سیاه
۳۲۹۸	الف ۱۶	مؤمنون، ۸۷	سَيَقُولُونَ اللَّهُ	ابوعمرو، یعقوب	سَيَقُولُونَ اللَّهُ	سیاه
۳۲۹۸	الف ۱۷	مؤمنون، ۹۲	عَالِمٌ	حمزة، کسائی، خَلْف، شُعبه، نافع، ابوجعفر	عَالِمٌ	سیاه
۳۲۹۸	ب ۱۹	مؤمنون، ۱۱۰	سُخْرِيًّا	نافع، حمزة، کسائی، ابوجعفر، خَلْف	سُخْرِيًّا	قرمز
۳۲۹۸	ب ۲۲	نور، ۶	أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ	ابن کثیر، نافع، ابوعمرو، ابن عامر، شُعبه، ابوجعفر، و یعقوب	أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ	قرمز
۳۲۹۸	الف ۲۳	نور، ۹	والخامسةُ	حمزة، کسائی، خَلْف، شُعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	والخامسةُ	قرمز
۳۲۹۸	الف ۲۳	نور، ۹	أَنْ غَضِبَ اللَّهُ	نافع، رويس از یعقوب	أَنْ غَضِبَ اللَّهُ	سیاه
۳۲۹۸	ب ۲۳	نور، ۱۱	لَا تَحْسِبُوهُ	نافع، ابن کثیر، ابوعمرو، کسائی، شُعبه	لَا تَحْسِبُوهُ	قرمز
۳۲۹۸	الف ۲۵	نور، ۱۵	وَتَحْسِبُونَهُ	نافع، ابن کثیر، ابوعمرو، کسائی، شُعبه	وَتَحْسِبُونَهُ	قرمز
۳۲۹۸	الف ۳۲	نور، ۳۴	مُبَيِّنَاتٍ	شُعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	مُبَيِّنَاتٍ	قرمز
۳۲۹۸	ب ۳۲	نور، ۳۵	تَوَقَّدَ	ابن کثیر، ابوعمرو، ابوجعفر، الحسن، السلمی، مجاهد، یعقوب، الیزیدی	يُوقِدُ	سیاه و قرمز
۳۲۹۸	الف ۳۸	نور، ۵۲	يَتَّقِهِ	کسائی، خَلْف، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابن ذکوان	يَتَّقِهِ	قرمز
۳۲۹۸	الف ۴۰	نور، ۵۷	لَا تَحْسِبَنَّ	کسائی، خَلْف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع	لَا تَحْسِبَنَّ	قرمز
۳۲۹۸	الف ۴۷	فرقان، ۱۷	نَحْشُرُهُمْ	حمزة، کسائی، خَلْف، شُعبه، ابوعمرو، نافع، ابن عامر	يَحْشُرُهُمْ	سیاه

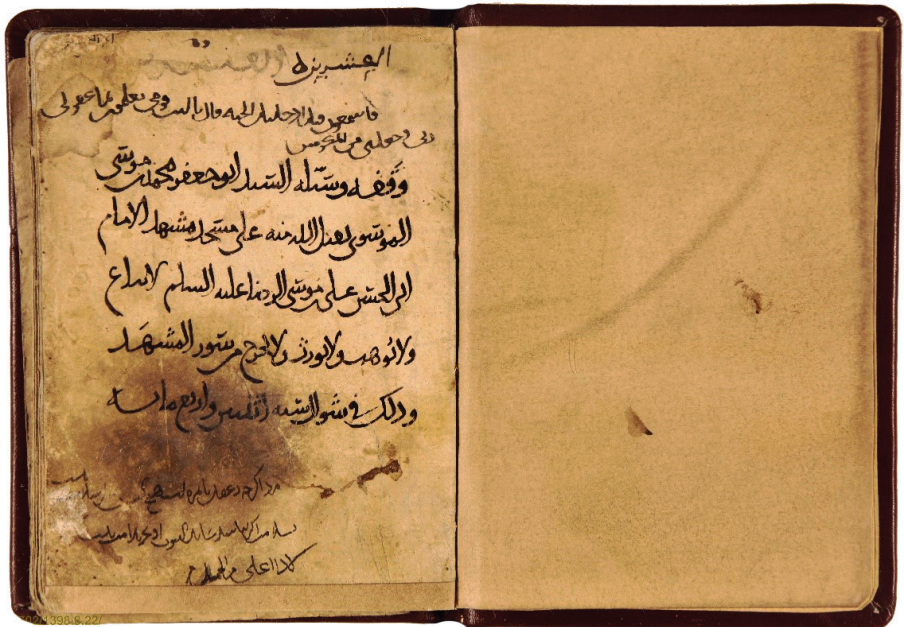
نسخه	برگ	سوره و آیه	قرائت متن نسخه	مطابق با قرائت	قرائت حفص	رنگ
۳۲۹۸	۴۷ ب	فرقان، ۱۹	فَمَا يَسْتَطِيعُونَ	حمزة، کسائی، خَلْف، شُعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	فَمَا تَسْتَطِيعُونَ	سیاه
۳۲۹۹	۴ ب	فرقان، ۳۸	وَمَمُودًا	کسائی، ابوعمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر، خَلْف، شُعبه	وَمَمُودًا	قرمز
۳۲۹۹	۶ ب	فرقان، ۴۸	نُشْرًا	نافع، ابن کثیر، ابوجعفر، یعقوب	بُشْرًا	سیاه و قرمز
۳۲۹۹	۱۰ الف	فرقان، ۶۷	وَلَمْ يَقْتِرُوا	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	وَلَمْ يَقْتِرُوا	قرمز
۳۲۹۹	۱۷ الف	شعراء، ۳۶	أَرْجِه	قالون، ابن ذکوان، ابوجعفر	أَرْجِه	سبز
۳۲۹۹	۱۸ الف	شعراء، ۴۵	تَلَقَّف	قراء سبعة، به استثنای حفص از عاصم	تَلَقَّف	سبز
۳۲۹۹	۱۹ ب	شعراء، ۵۶	حَاذِرُونَ	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، هشام	حَاذِرُونَ	قرمز
۳۲۹۹	۲۷ الف	شعراء، ۱۳۷	حَلَّقُ	کسائی، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابوجعفر	حَلَّقُ	قرمز
۳۲۹۹	۲۹ ب	شعراء، ۱۴۹	فَرِهِيْنَ	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	فَارِهِيْنَ	قرمز
۳۲۹۹	۴۲ الف	نمل، ۲۲	فَمَكَّتْ	حمزة، کسائی، خَلْف، ابن عامر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابوعمرو، رويس از یعقوب	فَمَكَّتْ	سبز
۳۲۹۹	۴۲ ب	نمل، ۲۵	يَخْفُونَ	حمزة، خَلْف، شُعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	تَخْفُونَ	سیاه
۳۲۹۹	۴۳ الف	نمل، ۲۵	يَعْلَنُونَ	حمزة، خَلْف، شُعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	تَعْلَنُونَ	سیاه
۳۲۹۹	۴۴ ب	نمل، ۳۶	ءَاتَانِ	حمزة، کسائی، خَلْف، شُعبه، روح، ابن کثیر، ابن عامر	ءَاتَانِي	قرمز
۳۲۹۹	۴۸ الف	نمل، ۴۹	مُهَلِّكًا	حمزة، کسائی، خَلْف، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	مُهَلِّكًا	سیاه و قرمز
۴۸۷۸	۳ الف	نمل، ۶۲	تَذَكَّرُونَ	شُعبه، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	تَذَكَّرُونَ	سبز
۴۸۷۸	۳ الف	نمل، ۶۳	نُشْرًا	نافع، ابوعمرو، ابن کثیر، یعقوب، ابوجعفر و یزیدی	بُشْرًا	قرمز
۴۸۷۸	۴ الف	نمل، ۶۶	أَذْرَكَ	ابوعمرو، ابن کثیر، ابوجعفر، و حسن بصری	أَذْرَكَ	قرمز
۴۸۷۸	۷ ب	نمل، ۸۸	تَحْسِبُهَا	کسائی، ابن کثیر، ابوعمرو، نافع	تَحْسِبُهَا	قرمز
۴۸۷۸	۷ ب	نمل، ۸۸	يَفْعَلُونَ	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، هشام	تَفْعَلُونَ	قرمز
۴۸۷۸	۷ ب	نمل، ۸۹	فَرَجَ يَوْمَئِذٍ ^{۴۴}	ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر	فَرَجَ يَوْمَئِذٍ	قرمز
۴۸۷۸	۸ ب	نمل، ۹۳	يَعْلَمُونَ	ابن کثیر، ابوعمرو، حمزة، کسائی و شُعبه	تَعْلَمُونَ	قرمز

۴۴. در نسخه «فرع یومئذ» اعراب گذاری شده است.

نسخه	برگ	سوره و آیه	قرائت متن نسخه	مطابق با قرائت	قرائت حفص	رنگ
۴۸۷۸	الف ۱۶	قصص، ۲۹	جِدْوَةٌ	کِسَائِي، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	جِدْوَةٌ	قرمز
۴۸۷۸	۱۷ رو	نقصص، ۳۲	الرَّهْبِ	ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر	الرَّهْبِ	قرمز
۴۸۷۸	ب ۲۸	قصص، ۸۲	لَحْصِيفَ	حمزة، كِسَائِي، خَلْفَ، شُعْبَةَ، ابوعمر، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	لَحْصِيفَ	قرمز
۴۸۷۸	ب ۳۵	عنكبوت، ۲۵	مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ	کِسَائِي، ابوعمر، رويس، ابن كثير	مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ	قرمز
۴۸۷۸	الف ۴۰	عنكبوت، ۴۲	تدعون	حمزة، كِسَائِي، خَلْفَ، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	يدعون	سیاه
۳۲۷۷	الف ۲	احزاب، ۳۳	وَقِرْنَ	حمزة، كِسَائِي، خَلْفَ، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، ابن عامر	وَقِرْنَ	قرمز
۳۲۷۷	الف ۶	احزاب، ۴۰	وَوَخَاتِمَ	حمزة، كِسَائِي، خَلْفَ، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	وَوَخَاتِمَ	قرمز
۳۲۷۷	اب ۱۶	سبأ، ۳	عَالِمٌ	رويس، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	عَالِمٌ	قرمز
۳۲۷۷	الف ۱۷	سبأ، ۵	الْيَمِ	حمزة، كِسَائِي، خَلْفَ، شُعْبَةَ، ابوعمر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	الْيَمِ	قرمز
۳۲۷۷	ب ۱۸	سبأ، ۹	كِسْفًا	حمزة، كِسَائِي، خَلْفَ، شُعْبَةَ، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	كِسْفًا	قرمز
۳۲۷۷	الف ۲۱	سبأ، ۱۷	يُجَازِي الْاَلْكَفُورَ	شُعْبَةَ، ابوعمر، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	يُجَازِي الْاَلْكَفُورَ	قرمز
۳۲۷۷	الف ۲۷	سبأ، ۴۰	نَحْشُرُهُمْ	حمزة، كِسَائِي، خَلْفَ، شُعْبَةَ، ابوعمر، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	يَحْشُرُهُمْ	قرمز
۳۲۷۷	الف ۲۷	سبأ، ۴۰	ثُمَّ نَقُولُ	حمزة، كِسَائِي، خَلْفَ، شُعْبَةَ، ابوعمر، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	ثُمَّ نَقُولُ	قرمز
۳۲۷۷	الف ۳۹	فاطر، ۳۳	وَلَوْلُوا	حمزة، كِسَائِي، خَلْفَ، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، ابن عامر	وَلَوْلُوا	مشکی
۳۲۷۷	الف ۴۱	فاطر، ۴۰	بَيِّنَاتٍ	کِسَائِي، شُعْبَةَ، يعقوب، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	بَيِّنَاتٍ	قرمز
۳۲۷۷	ب ۴۳	یس، ۵	تَنْزِيلٍ	شُعْبَةَ، ابوعمر، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر	تَنْزِيلٍ	قرمز



تصویر ۱: وقف نامه ابو جعفر محمد بن موسی الموسوی در آغاز جزوه قرآنی ش ۳۲۹۷، مورخ شوال ۴۰۲ هجری
 تصویر ۲: وقف نامه ابو جعفر محمد بن موسی الموسوی در آغاز جزوه قرآنی ش ۴۸۷۸، مورخ شوال ۴۰۲ هجری





تصویر ۳: آغاز جزوه قرآنی ۳۲۹۷ (ابتدای جزء چهاردهم)
 تصویر ۴: برگ پایانی جزوه قرآنی ۳۲۹۷ (انتهای جزء چهاردهم)





تصویر ۵: بخش الحاقی به انتهای جزوه قرآنی ش ۳۲۹۷ (از جزء بیست و هفتم)
تصویر ۶: برگی از نسخه جزوه قرآنی ۳۲۹۸ (حاوی آیات ۸۵ تا ۹۰ سوره مؤمنون) مطابق با قرائت ابوعمر و یعقوب





تصویر ۷: آغاز جزء نوزدهم قرآن (همراه با بسملة) در جزوه ۳۲۹۹

تصویر ۸: آغاز جزء بیستم قرآن (همراه با بسملة) در جزوه ۴۸۷۸





کتابنامه

۱. قرآن کریم. نسخه های وقف شده از سوی ابو جعفر محمد بن موسی الموسوی بر حرم امام رضا علیه السلام، در تاریخ شوال ۴۰۲، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی، جزوات قرآنی ش ۳۲۹۷ / ۳۲۹۸ / ۳۲۹۹ / ۴۸۷۸ / ۳۲۷۷.
۲. آقا بزرگ طهرانی. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
۳. ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. الاذکیاء، تحقیق اسامة عبدالکریم الرفاعی، بیروت: مؤسسة مناهل العرفان، و دمشق: مكتبة الغزالي، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م.
۴. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله الشافعی. أربعون حديثاً لأربعین شیخاً من أربعین بلدة، تحقیق مصطفی عاشور، قاهره: مكتبة القرآن، بی تا.
۵. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله الشافعی. معجم الشيوخ، با مقدمه شاکر الفحام، تحقیق وفاء تقي الدين، دمشق: دار البشائر، ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۰م.
۶. ابن عنبه، السيد جمال الدين أحمد بن علی الحسنی. عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب، تصحيح محمد حسن آل الطالقاني، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م.
۷. ابن فندق، ابوالحسن علی بن زيد البيهقي. لباب الانساب والالقب والاعقاب، تحقیق السيد مهدي الرجائي، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ۱۳۸۵ش / ۲۰۰۷م.
۸. أخطب خوارزم، موفق بن احمد المكي الخوارزمي. المناقب، قم: جامعة المدرسين للحوزة العلمية، ۱۴۱۱ق.
۹. الأمين، محسن. أعيان الشيعة، تحقیق حسن الأمين، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
۱۰. التیمی البکری، محمد بن عمر بن الحسن بن الحسن [فخر الدين الرازي]. الشجرة المباركة في الأنساب الطالبية، تحقیق السيد مهدي الرجائي، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ۱۴۰۹ق.
۱۱. ثعالبي، ابومنصور عبدالملك بن محمد. الاقتباس من القرآن الكريم، تحقیق ابتسام مرهون صفار و مجاهد مصطفی بهجت، اربد (اردن): عالم الكتب الحديث، ۲۰۰۸.
۱۲. ثعالبي، ابومنصور عبدالملك بن محمد. اللطائف والظرائف، بیروت: دار المناهل، بی تا.
۱۳. ثعالبي، ابومنصور عبدالملك بن محمد. ثمار القلوب للمضاف والمنسوب، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۸۵.
۱۴. ثعالبي، ابومنصور عبدالملك بن محمد. خاص الخاص، تحقیق حسن الأمين، بیروت: دار مكتبة الحياة، ۱۹۶۶.
۱۵. ثعالبي، ابومنصور عبدالملك بن محمد. رسائل الثعالبي، أو نثر النظم و حل العقد، مقدمه از علی الخاقاني، بغداد: دارالبيان، بی تا.
۱۶. ثعالبي، ابومنصور عبدالملك بن محمد. لطائف المعارف، تحقیق و تصحيح P. de Jong، لايدن: انتشارات بريل، ۱۸۶۷م.
۱۷. ثعالبي، ابومنصور عبدالملك بن محمد. يتيمة الدهر، تحقیق مفيد محمد قمحية، بیروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
۱۸. جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر. ترجمه تاريخ يميني، تصحيح دكتور جعفر شعار، چاپ سوم: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.
۱۹. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله. تاريخ نيشابور، ترجمه محمد بن حسين خليفه نيشابوري، تصحيح دكتور محمدرضا شفيعی کدکي، تهران: انتشارات آگه، ۱۳۷۵ش.
۲۰. الزمخشري، ابو القاسم محمود بن عمر. ربيع الابرار و نصوص الأخبار، تحقیق عبدالأمير مهنا، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
۲۱. السبحاني، جعفر (باشراف). معجم التراث الكلامي، قم: مؤسسة الامام الصادق عليه السلام، ۱۴۲۳.

۲۲. سپهر کاشانی، محمد تقی. ناسخ التواریخ، به کوشش جهانگیر قائم مقامی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۷ ش.
۲۳. شیخ الشرف عیدلی، محمد بن محمد، تهذیب الأنساب و نهاية الأعقاب، تصحیح محمد کاظم المحمودی. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. الطباطبائی، السید عبدالعزیز. الغدير في التراث الاسلامی، بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. عبدالجلیل قزوینی رازی. نقض، معروف به بعض مثالب النواصب، تصحیح میرجلال الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
۲۶. العتبی، أبو نصر محمد بن عبدالجبار الیمینی فی أخبار دولة الملك یمین الدولة، تحقیق یوسف الهادی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۷ ش.
۲۷. العلوی العمری، نجم الدین ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن محمد. المجدی فی انساب الطالبین، تحقیق احمد المهدوی الدامغانی، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۲۲ ق / ۱۳۸۰ ش.
۲۸. محدث ارموی، میرجلال الدین حسینی. تعلیقات نقض، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.
۲۹. محدث ارموی، میرجلال الدین حسینی. مقدمه نقض و تعلیقات آن، تهران، چاپخانه حیدری، ۱۳۳۳ ش.
۳۰. میندی، ابوالفضل رشیدالدین. کشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، بسعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.

